

ارزیابی کارکردهای مجلس دهم در زمینه اقتصاد در گفت‌وگو با دکتر ساسان شاه‌ویسی

حساب‌کشی از دولت وظیفه مجلس است

هفته‌نامه داخلی | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸ | ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ | ۲۷ ژانویه ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

شمارش معکوس تا دوم اسفند

پیوست انتخاباتی صبح صادق



حنیف غفاری
اولتیماتوم هسته‌ای به غرب

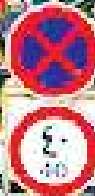


علی حیدری
بازی با سایه جنگ!



نگاهی به ابعاد تظاهرات تاریخی مردم عراق علیه حضور نظامیان آمریکا

یوم الله عراق



آمریکا راهی جز فرار ندارد



سرمقاله

بازی با سایه جنگ!



علی حیدری

مدیر دبیر

آقای روحانی هفته گذشته در پنجاهونهمین مجمع عمومی بانک مرکزی گفت: «تلاش دولت این بود که امید را نسبت به آینده به وجود آورد و جلوی برخورد نظامی و جنگ را بگیرد و این کار را روزانه انجام داده است، یعنی امروز و دیروز؛ من روزانه مراقبت می‌کنم، به عنوان مسئول شورای عالی امنیت ملی روزانه مراقبت می‌کنم، نمی‌توانم همه چیز را اینجا بگویم و گفتنی نیست، فعلاً اما اگر مراقبت دائمی صورت نگیرد بین جنگ و صلح یک گلوله فاصله است و گلوله‌ای می‌تواند جنگ بیافریند و خودداری از شلیک گلوله صلح می‌آفریند...»

این سخن رئیس‌جمهور که از نگاه خیلی‌ها دور ماند، تداعی‌کننده موضوعی تکراری به نام «سایه جنگ» بود. کلیدواژه‌ای ساخته و پرداخته جریان رسانه‌ای اصلاح‌طلب که مدعی هستند دولت با امضای برجام، سایه جنگ را از سر کشور دور کرده است. این فضاسازی رسانه‌ای در مشی غلط این جریان سیاسی ریشه دارد که مدام در صدد القای این انگاره به افکار عمومی هستند که تا وقتی اصلاح‌طلبان بر سر کار باشند، احتمال درگیری نظامی بین ایران و آمریکا صفر خواهد بود، اما اگر اصولگر ایران دولت را در دست داشته باشند، این احتمال تقویت می‌شود. این در حالی است که مروری بر نوع مواجهه آمریکا با ایران در دوره دولت‌های مختلف بیانگر این واقعیت است که تندترین مواضع و برخوردهای سردمداران این کشور علیه ایران در دست در زمان‌هایی رخ داده که زمام امور اجرایی کشور در دست جریان اصلاحات بوده است که رویکرد سازش و مذاکره داشتند. تهدید «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا مبنی بر حمله به ۱۲ نقطه ایران، تهدید «جرج دبلیو بوش» به حمله به ایران با طرح محور شرارت، تهدید «دونالد ترامپ» برای حمله به ۵۲ نقطه حیاتی کشور از جمله مواردی است که نشان می‌دهد هر گاه دشمن زمزمه سازش و مذاکره را از کشور شنیده، نه تنها در مواجهه با انقلاب اسلامی و ملت ایران نرمشی نشان نداده، بلکه جسورتر از قبل شده و تندترین تهدیدات را انجام داده است.

اما درباره عوامل کنار زدن سایه جنگ از کشور باید گفت اولاً، در مقاطعی مانند حمله صدام به کویت که بسیاری از سیاست‌پو به ورود به درگیری معتقد بودند، تدابیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب به عنوان دیدبان بصیر انقلاب، کشور را از هرگونه درگیری نظامی مصون داشت. ثانیاً، واقعیت این است که تقویت قدرت نظامی کشور باعث نگرانی دشمنان ملت ایران از هرگونه جنگ نظامی با کشورمان شده است.

در بیان چرایی طرح این سخنان باید گفت، با نزدیک شدن به موعد برگزاری انتخابات مجلس و شکل‌گیری مطالبه عمومی مبنی بر ضرورت شکل‌گیری مجلس انقلابی با رویکرد جهادی، فسادستیز و باورمند به توان داخلی برای حل مشکلات کشور، جریانی که در سال‌های اخیر دولت، اکثریت مجلس و شوراها را در اختیار داشته و نتوانسته است مشکلات مردم را حل کند، نگران پایگاه اجتماعی از دست رفته خویش است و به هر قیمتی می‌خواهد آن را احیا کند. ایجاد هراس اجتماعی از شکل‌گیری مجلس انقلابی و القای خطر جنگ، تحریم بیشتر و... از سازوکارهای نخبم‌ای جریان‌های سیاسی است که افکار عمومی دیگر آنها را نمی‌پذیرد.



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

قیام برای انتقام سخت؛ یوم‌الله عراق؛ باید بروی آمریکا! بروید تا زنده بمانید؛ نه بزرگ مردم عراق به آمریکا؛ آمریکا به اشغال عراق پایان دهد؛ از عراق برو بیرون؛ سیلی تاریخی عراق؛ خروش مردم عراق برای پایان اشغالگری تروریست‌های آمریکایی؛ آغاز دومینوی اخراج آمریکا از منطقه؛ بهمن عراق؛ سیلی مردم عراق به ارتش آمریکا؛ خیزش برای خروج؛ رفز اندوم ضد آمریکایی در یوم‌الله بغداد؛ فتح خون و... تیرهای روزنامه‌های جهان و منطقه در روایت پیام تظاهرات میلیونی مردم عراق است. به‌طور قطع سران کاخ سفید، پیام ملت عراق را مبنی بر اینکه باید به اشغال عراق پایان دهند، دریافت کردند. در این شرایط آمریکا دوراه بیشتر پیش رو ندارد:



هادی محمدی

تحلیلگر ارشد بین‌الملل

اقدام مجرمانه و تروریستی آمریکا در به شهادت رساندن سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس که عاملان پیروزی بر تروریسم داعشی و شکست طرح‌های استعماری آمریکایی بودند، اگرچه خسارتی جبران‌ناپذیر بود؛ ولی بر اساس مبانی قرآنی، برکات خون این شهدا و دیگر شهدای ایرانی و عراقی، موجب یک بیداری و خیزش و بصیرت بی‌سابقه و قیام همگانی مردم شد. در ایران، پس از تشییع پیکر امام خمینی (ره) هیچ‌گاه شاهد چنین گسترای عظیم و خودجوش نبودیم و به قول رهبر معظم انقلاب واکش مردم و مطالبه‌گری برای انتقام از جانباں آمریکایی سوخت موشک‌هایی شد که پایگاه عین‌الاسد را ویران کرد. موشک‌هایی که برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، علناً و رسماً نیروهای آمریکایی را هدف قرار دادند. در عراق نیز به برکت عظیم خون شهدا، دقیقاً پس از چند ماه فتنه و آشوب‌گری سفارت آمریکا در استان‌های شیعی و به بن‌بست رساندن حکومت و ترویج تخریب و قتل و ویرانی جوکرهای آموزش

۱- با دریافت همین پیام که خواست واقعی مردم عراق است، با کمترین هزینه و خسارت، زمان‌بندی خروج نظامیان خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن اعلام کرده و بر مبنای آن عمل کند.

۲- به تکرار اشتباهات گذشته در منطقه و عراق روی آورده، برای ماندن در عراق به هر شکل ممکن بکوشد.

از هم اکنون می‌توان گفت، سیاست دوم یک سیاست و رویکرد غلط، پرهزینه و شکست خورده برای آمریکایی‌ها خواهد بود. برای اثبات غلط بودن این سیاست به ارائه دلایل زیادی نیاز نیست. فقط با انسداد تأملی می‌توان دریافت که این سیاست نادرست است. آمریکایی‌ها از شهریور ماه ۱۳۸۰، یعنی ۱۸ سال قبل به بهانه مبارزه با تروریسم به منطقه لشکرکشی کرده، در گام اول دو کشور افغانستان و عراق را اشغال کردند.

هدف راهبردی این لشکرکشی به بهانه حادثه یازده سپتامبر خودساخته، چیزی جز تسلط به کل غرب

آسیا تحت عنوان ساخت خاورمیانه بزرگ یا جدید نبود. اما اکنون در یک جمع‌بندی می‌توان مواردی از آورده‌های این سیاست و لشکرکشی را در محورهای زیر شمارش کرد:

۱- هزینه بیش از هشت هزار میلیارد دلاری در منطقه به اعتراف و اعلام مقامات آمریکایی؛ ۲- فروریختن هیمنه و ابهت ارتش آمریکا با هزاران کشته، چند ده هزار مجروح و چند صد هزار نظامی افسرده و گرفتار به بیماری‌های عصبی؛ ۳- پدیدآیی یک تنفر عمیق در همه ملت‌های منطقه نسبت به آمریکا.

اگر چه آمریکایی‌ها با متحدان خود در این ۱۸ سال، خسارات سنگینی را بر ملت‌های منطقه وارد کردند؛ ولی در برابر نظام سلطه، اکنون در منطقه یک جبهه مقاومت قدرتمند مردم‌پایه شکل گرفته است که بخشی از این جبهه قدرتمند با عناوینی، چون حشد الشعبی، حزب‌الله و عصابات‌الحق با عقبه کاملاً مردمی در عراق است.

اکنون یک ملت متنفر از آمریکا، با چنین فرزندان

نیم نگاه

یوم‌الله عراق

نگاهی به ابعاد تظاهرات تاریخی مردم عراق علیه حضور نظامیان آمریکا

بر اساس بیانیه مرجعیت در نماز جمعه، بیانیه مقتدی صدر و اعلام فرصت زمانی یک ماهه به دولت عراق برای هماهنگی‌های سیاسی و زمان‌بندی اخراج آمریکا با ارائه هربران مقاومت و پشتوانه مردمی آنها بیش از همیشه متحد و یکصدا هستند و باید خروج آمریکا را قطعی دانست.

مواضع این روزهای ترامپ معانی فراوانی دارد که به جز نقض حاکمیت و اراده ملی عراقی و نادیده گرفتن قواعد روابط بین‌الملل و منشور ملل، علناً با گردن‌کشی برای غارت عراق خط و نشان می‌کشد و یک بار دیگر نیز ثابت می‌کند، داعش ابزار آمریکا برای سیاست‌های منطقه‌ای کاخ سفید است. به هر حال با همه تلاش‌های مذبحخانه آمریکایی و چهره‌های فاسد و سیاستمداران تاریخ‌مصرف گذشته و بی‌تأثیر در قبل اراده ملی عراقی، این نگاه و اراده در عراق با صدای بلند مطرح است که آمریکا در عراق جای ندارد. یا اینکه با توافق خارج می‌شود یا با مقاومت مردمی و تکرار حماسه‌های ضد استعماری ۱۹۲۰ و سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، مجبور به اخراج خواهد شد. مردم عراق به خوبی درک کرده‌اند که حضور آمریکا در کشورشان، منشأ فسادسازی، غارت ثروت، باقی نگه داشتن ویرانی زیرساخت‌ها و جلوگیری از بازسازی و توسعه اقتصادی و تکنولوژیک و...، ترویج و حفظ

تروریسم وهایی، نقض حاکمیت و ممانعت از شکل‌گیری وحدت ملی و تشویق به شکاف‌های سیاسی و تجزیه سرزمینی عراق خواهد بود. شهادت ابومهدی المهندس که آحاد مردم از همه طوایف و مذاهب و گروه‌ها، وی را نعمتی برای عزت و اقتدار عراق و ایثارگری مخلص می‌دانند، نه تنها برنامه‌ریزی ماه‌های طولانی برای جنگ ترکیبی و هیریدی و آشوب‌سازی را به نقطه معکوس رسانده، بلکه اساس حضور نظامیان تروریست آمریکایی و پایگاه‌ها و معاهده استراتژیک و تحمیلی به عراق را نیز در مقابل ضرورت اخراج قرار داده است. آنچه مردم عزیز عراق را با مردم سربلند ایران پیوند می‌دهد، این است که در مسیر رهایی از شرارت و سیاست‌های استعماری آمریکایی و غری، یک ادراک واحد و یک تجربه واحد وجود دارد و زیباتر از همه اینکه در هنگام شهادت نیز خون و پیکر سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس و بقیه مجاهدان عراقی و ایرانی همراه آنها به نحوی در هم تنیده می‌شوند که امکان جداسازی فیزیکی آنها غیر ممکن می‌شود.

ایام‌الله‌های رهایی مردم منطقه، با بصیرت و دشمن‌شناسی و حضور آگاهانه در صحنه آغاز شده و برکت خون این شهیدان، افق روشن برای منطقه را نوید می‌دهد.

گزارش صبح‌صادق از هجمه‌های رسانه‌ای علیه حاج قاسم سلیمانی

خط تخریب سردار!

صفحات و اخبار برانت جستند.

اما چه چیزی سبب می‌شود برخی به دنبال تخریب حاج قاسم یا وارونه نشان دادن رفتارهای او باشند؟

حدود سه ماه پیش از ترور حاج قاسم سلیمانی به دست ارتش تروریستی آمریکا یک نظرسنجی به سفارش دانشگاه مرلند انجام شد که نتایج آن نشان می‌داد ۷۵ درصد ایرانی‌ها، قاسم سلیمانی را محبوب خود می‌دانند و بیش از نیمی از مردم، مجذوب وی هستند. نشریه آمریکایی بلومبرگ نوشت: «سردار سلیمانی در میان اکثر مردم ایران «محبوب» یا «خیلی محبوب» است. اطمینان مردم به وی سبب شده است شایعه نامزد شدن سردار در انتخابات، برای مردم دلچسب باشد. محبوبیت سلیمانی او را به برجسته‌ترین چهره شیعیان برای مبارزه با (داعش) تبدیل کرده است.»

افزایش محبوبیت حاج قاسم سلیمانی و کارآمدی دیپلماسی امنیت و اقتدار در مقایسه با دیپلماسی برجام و تقریباً هیچ در افکار عمومی، سلطه‌گران و شبکه همکار داخلی آنان را به تخریب سردار سلیمانی وادار کرده است.

حاج قاسم سلیمانی علی‌رغم برخی که در دفتر

مسلح، آموزش دیده، قدرتمند و آماده جهاد، خواهان خروج آمریکا از کشورشان هستند. آیا ایستادن در برابر این ملت، آن هم از سوی آمریکای با ارتش فرو ریخته و ناتوان، چیزی جز خودکشی نخواهد بود؟!

به طور قطع اگر آمریکایی‌ها با اتخاذ تصمیم غلط همانند گذشته، بخوانند به حضورشان در عراق ادامه دهند، روزگارشان سیاه خواهد بود. ملت آمریکا در پرتو سیاست غلط خون‌آشامان کاخ سفید همچون ترامپ، باید هر روز راهی گورستان برای دفن فرزندان‌شان باشند.

واقعیت این است که دوران زورگویی، سلطه‌گری و اشغال کشورها از سوی آمریکا تمام شده است. آمریکایی‌ها باید بدانند، اگر تاکنون هشت هزار میلیارد دلار هزینه کرده‌اند و هیچ به دست نیاورده‌اند، چنانچه از این پس هم چندین برابر این رقم هزینه کنند، راهی جز فرار از این منطقه نخواهند داشت.

کار خود ننشسته‌اند و فقط وعده می‌دهند، همواره وسط میدان بود. مردی که بسیاری از رسانه‌ها و مقامات بین‌المللی او را فردی کم‌حرف می‌دانستند که بیشتر عمل می‌کند. شاهد این هستیم که هرگاه حاج قاسم وعده‌ای به مردم داده، به آن عمل کرده است، حتی زمانی که وعده‌ای به بزرگی نابودی داعش داده باشد.

اما زمانی که چهره خانوادگی سلیمانی تخریب شود، دشمنان به راحتی خواهند توانست راه حاج قاسم را تحریف کنند و از او چیزی را نشان دهند که خودشان می‌خواهند و در جریان انتخابات و اتفاقات سیاسی از نام حاج قاسم سوء استفاده کنند.

در آن سوسی ماجرا هم البته رسانه‌های معاند نظام اسلامی می‌کوشند با نفوذی‌های داخلی هم‌نوا شوند و کمک کنند جای تروریست‌ها و مبارزان با تروریست عوض شود.

فارغ از همه این هیاهوها و تبلیغات رسانه‌ای، مردم جهان روز به روز قدر حاج قاسم را بیش از پیش می‌فهمند، به طوری که در بسیاری از کشورها مردم لباس‌هایی را منش به تصویر حاج قاسم تولید کرده‌اند که روی آن نوشته شده است: «ژنرال سلیمانی، ضد تروریسم»

تأملی بر گزینه خروج ایران از ان پی تی

اولتیماتوم هسته‌ای به غرب



حنیف غفاری

کارشناس روابط بین‌الملل



ایران در برابر تهدید ترونی‌کای اروپایی گزینه خروج از ان پی تی را مطرح کرده است در این زمینه توجه به چند نکته ضروری است: نخست اینکه، «خروج از ان پی تی» جدی‌ترین اولتیماتوم هسته‌ای ایران به غرب، آن هم پس از سال ۲۰۱۵ (انعقاد برجام) محسوب می‌شود. کلیت پیمان ان پی تی می‌گوید که کشورهای دارای سلاح هسته‌ای نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کشورهای غیربرخوردار در راه تحصیل این سلاح کمک کنند و کشورهای غیربرخوردار متعهد می‌شوند تا در این راه تلاش نکنند، هر چند به موجب ماده ۴ برخوردارها متعهد شده‌اند که فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز را در اختیار غیربرخوردارها قرار دهند. سه کشور هند، پاکستان و کره شمالی هم اکنون عضویت در ان پی تی را نپذیرفته یا از آن خارج شده‌اند. علاوه بر اینها، رژیم اشغالگر قدس نیز با وجود در اختیار داشتن سلاح‌های

هسته‌ای، به این معاهده نپیوسته است.

دوم اینکه، خروج از ان پی تی، وفق مفاد این معاهده، اقدامی غیر قانونی محسوب نمی‌شود. اگرچه در برخی معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، موضوع «خروج از توافق» در نظر گرفته نشده و کشورهای عضو نیز اختیاری در زمینه زیر پا گذاشتن معاهده ندارند، اما این قانون شامل ان پی تی نمی‌شود. بر اساس ماده ۱۰ این معاهده در صورتی که یک عضو امضاکننده ان پی تی تشخیص دهد منافع عالیه کشورش در معرض خطر قرار گرفته، می‌تواند از این معاهده با اعلام به سازمان ملل متحد خارج شود.

سوم اینکه، جمهوری اسلامی ایران از اردیبهشت ماه امسال و در ذیل راهبرد «مقاومت فعال» و با استناد به ماده ۲۶ توافق هسته‌ای، بخشی از تعهدات خود در برجام را متوقف کرد و مطابق وعده‌های داده شده، در پنج گام محدودیت‌های برجامی در حوزه‌های تحقیق و توسعه، درصد و میزان غنی‌سازی، میزان ذخایر اورانیوم غنی شده، فعال‌سازی فردو و... را از بین برد. بنابراین، اقدامات جمهوری اسلامی ایران مصداق «کنش اولیه» نبوده و واکنشی در برابر نقض تعهدات آمریکا و ترونی‌کای

اروپایی در برجام بوده است. این قاعده در زمینه خروج از ان پی تی نیز صادق است. به عبارت بهتر، جمهوری اسلامی ایران به غرب اولتیماتوم داده است استمرار نقض تعهدات بازیگران دخیل در برجام، منتج به واکنش نهایی ایران، یعنی خروج از پیمان عدم اشاعه هسته‌ای خواهد شد.

چهارم اینکه، پس از طرح این موضوع از سوی جمهوری اسلامی ایران، ترونی‌کای اروپایی اعلام کرده‌اند قصد ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نداشته و مدت زمان بررسی منازعات موجود در ذیل بند «حل اختلافات در برجام» را نیز محدود نمی‌دانند. به عبارت بهتر، «جوزف بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تأکید کرده است، ترونی‌کای اروپایی قصد ندارند در مدت زمان دو ماهه پیش‌بینی شده در بند حل اختلافات، پرونده ایران را به شورای امنیت ارسال کنند.

نکته آخر، به مواجهه هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های ناقض برجام، یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا باز می‌گردد. بدون شک اصرار بر خروج از ان پی تی در صورت احیای تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، باید

به مثابه یک «ابزار تعیین‌کننده» همواره مورد توجه و استناد مسئولان حوزه سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد. هرگونه رفتار یا گفتاری از سوی مسئولان حوزه اجرایی و سیاست خارجی کشورمان که مصداق عقب‌نشینی از «اولتیماتوم هسته‌ای ایران به غرب» در زمینه خروج از ان پی تی تلقی شود، نتیجه‌ای جز تقویت واشنگتن و ترونی‌کای اروپایی در مواجهه هسته‌ای با ایران نخواهد داشت. این موضوع باید به مثابه یک «ابزار تنبیهی» همواره در معرض دید بازیگران غربی قرار گیرد تا مانع استمرار مانور استراتژیک و تاکتیکی مشترک ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مواجهه با فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان شود. نباید فراموش کرد که ترامپ و دولت‌های اروپایی اصرار دارند تا بازگشت به «غنی‌سازی صفر درصدی» یا «اعمال محدودیت‌های فرازمینی بر برنامه هسته‌ای ایران» را در تقابل محض با کشورمان به عرصه ظهور برسانند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید به‌مردمداری مؤثری از ابزارهای تنبیهی خود (از جمله خروج از ان پی تی) به منظور هدایت صحنه منازعه و مواجهه با بازیگران غربی صورت دهد.

دریچه

درآمدهای پایدار

نگاهی به درآمدهای مالیاتی مغفول در بودجه ۹۹



محمد نوری

کارشناس اقتصادی

سران قوا به ۱۲۷ هزار میلیارد تومان تقلیل یافت؛ اما در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ به مبلغ ۱۹۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و از این میزان، ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد گمرک است و نشان از رشد ۱۳ درصدی دارد. تحقق این رقم در شرایط کنونی اقتصاد کشور که بیش از ۴۱ درصد تورم دارد و در عین حال دچار رکود است، موضوع این نوشتار نیست و باید به صورت مستقل بررسی شود. آنچه در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد، این است که نگاه دولت به حوزه مالیات همچنان به صورت کسب درآمد پایدار و مطمئن است، ولی نه به شیوه‌ای که به اقشار کم‌درآمد و گرفتار در شرایط رکود تورمی اقتصاد داخلی، فشار مضاعف وارد نشود.

تمرکز بر کسب درآمدهای پایدار و مطمئن به عنوان راه‌برونرفت از چالش‌هایی که نظام سلطه به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند، تدبیری به‌جا و قابل ستایش است که باید با درایت و برنامه‌ریزی دقیق،

کمترین پیامدهای منفی اقتصادی را بر اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه داشته باشد. برنامه‌ریزی و تعریف عناوین جدید مالیاتی که مخاطب آن عموم مردمی هستند که در شرایط کنونی پرداخت مالیات به شیوه‌های گوناگون، معیشت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سفره آنها را روز به روز کوچک‌تر می‌کند، می‌تواند به ایجاد مشکلات و چالش‌های مضاعف اقتصادی منجر شود.

راهکار برونرفت از این شرایط و جلوگیری از بروز مشکلات مضاعف برای مردم و اقتصاد بیمار کشور، توجه دولت به اخذ مالیات از افراد متمولی است که به شیوه‌های گوناگون از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. دریافت مالیات بر عایدی سرمایه نیز به قشر ضعیف جامعه فشار وارد نمی‌کند. راهکار دیگر توجه بیشتر به دریافت مالیات از شرکت‌های دولتی است، شرکت‌هایی که بیش از دوسوم بودجه کل کشور را در اختیار دارند و در مقابل کمتر از

۴ درصد درآمد مالیاتی از آنها تأمین می‌شود؛ در صورتی که اگر دولت به میزان لازم برای دریافت مالیات از این شرکت‌ها تلاش کند، ضرورتی برای فشار مضاعف در دریافت مالیات از عموم مردم وجود نخواهد داشت.

دولت در کنار توجه جدی به ایجاد شفافیت در شرکت‌های خود و اهتمام به دریافت مالیات از آنها، باید در مقابل فرار مالیاتی برخی از صاحبان ثروت بایستد و با تدبیر لازم و کافی نسبت به اخذ مالیات واقعی از این افراد اقدام کند. در این صورت نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در بودجه سال آتی تحقق می‌یابد. همچنین دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب معافیت‌های مالیاتی بی‌دلیل، مانند معافیت مالیاتی هنرمندان، کلاس‌های کنکور، مناطق آزاد و... را، که برخی به صورت رانت ایجاد شده است، لغو کند تا از این راه بتواند بر درآمدهای مطمئن و پایدار کشور بیفزاید.

عکس و مکت



تصویری دیده‌نشده از شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و سردار سید محمد حجازی (جانشین جدید فرمانده نیروی قدس سپاه) که در سال ۱۳۸۵ عکاس هفته‌نامه آن را ثبت کرده است. خوانندگان گرامی می‌توانند تصاویر و مطالب اختصاصی و دیده‌نشده را در کانال هفته‌نامه صادق در پیام‌رسان تلگرام مشاهده کنند. [@ssweekly](#)



محمد صادقی، معلم ۳۰ساله روستای «داغ‌کندی» در منطقه چارویماق آذربایجان شرقی با باز کردن مسیر مانع تعطیلی مدرسه شد. این معلم دهه شصتی توانست با دست خالی و بعد از چند روز کار در برف، مسیری را به مدرسه باز و کلاس درس را دایر کند. این اقدام آقا معلم خودش یک کلاس درس برای همه ماست که باید برای تعالی وطن‌مان زحمت بکشیم.



حضور فرمانده کل سپاه در مناطق سیل‌زده هرمزگان/ سپاه پاسداران با تمام توان برای کمک به مردم سیل‌زده پای کار آمده است و تا رفع مشکلات آنان در منطقه حضور خواهد داشت. نیروی دریایی سپاه و سپاه امام سجاد(ع) با تمام توان خود در این مناطق حضور دارند.



احترام نظامی بازیکنان تیم ملی هندبال به پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی/ سربازان این پرچم در هر لباسی به دنبال اعتلای نام ایران هستند، چه لباس رزمندگی، چه لباس دانش و چه لباس ورزشی.

۳

دیدگاه

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

صداقت

گام دوم

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتخابات پیش رو



حسن خدادی

پژوهشگر مسائل سیاسی



انتخابات و اهمیت بررسی آن بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی- که از چند شماره قبلی شروع شد در این یادداشت بر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی تأکید دارد. این انتخابات همانند دیگر انتخابات‌های گذشته و آینده از اهمیت بالایی برای نظام سیاسی و مردم برخوردار است و بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این انتخابات می‌تواند برای مسئولان انتخاباتی، کاندیدها و رأی‌دهندگان شمر ثمر باشد. اولین مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر انتخابات اخیر این است که اولین انتخابات در گام دوم انقلاب اسلامی است. در واقع نسل جدید انقلاب اسلامی و مردمی که آرزومند داشتن آینده‌ای بهتر هستند، در گام دوم انقلاب اسلامی نسبت به ارکان و نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی نگاهی ویژه دارند که مبتنی بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در گام دوم انقلاب اسلامی، متفاوت‌تر از نگاه‌ها و مطالبات گذشته است. یکی از مهم‌ترین این نهادها و ارکان نظام سیاسی مجلس شورای اسلامی است که با وظایف مهمی که در حوزه قانون‌گذاری و نظارت بر دولت برخوردار است، می‌تواند نقش مهمی در گام دوم انقلاب اسلامی داشته باشد و این تا حدود زیادی به نقش‌آفرینی مردم و نوع مطالبات‌شان از چنین مجلسی مربوط می‌شود. بنابراین این مؤلفه مهم و کلیدی، یعنی اولین انتخابات در چهل سالگی دوم انقلاب اسلامی می‌تواند بر نوع رأی دادن مردم و نامزدهای انتخاب شده از سوی آنها تأثیرگذار باشد و برای رسیدن به چنین مجلسی در تراز انقلاب اسلامی شورای نگهبان نیز وظایف جدی و حیاتی به عهده دارد و آن دقت مضاعف در تأیید صلاحیت‌ها و اجتناب از مصلحت‌اندیشی‌هایی است که بعضاً موجب تأیید صلاحیت افرادی می‌شود که هیچ سختی با نظام سیاسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ندارند. دومین مؤلفه تأثیرگذار بر این انتخابات این است که مجلس یازدهم می‌تواند دربراره رفتار و عملکرد دولت فعلی در دو سال آینده و همچنین نوع دولت بعدی تأثیرگذار باشد. از یک سو، ممانعت و همسویی‌های مصلحت‌اندیشانه مجلس فعلی نسبت به عملکرد ضعیف دولت موجود را یک مجلس انقلابی و مسئولیت‌پذیر می‌تواند مرتفع کند و از سوی دیگر، دولت را در دو سال آینده به تحرک و پویایی بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی مجبور کند. همچنین تجربه مجالس سوم، پنجم، هفتم و نهم نشان می‌دهد مجالسی که قبل از دولت جدید شکل می‌گیرند، می‌توانند در نوع دولت بعدی تأثیرگذار باشند. در واقع با انتخاب مجلس بعد و جریان سیاسی پیروز در این انتخابات تا حدود زیادی احتمال به دست گرفتن دولت از سوی آنها نیز وجود دارد؛ به همین دلیل مردم اگر برای داشتن یک دولت کارآمد، مسئولیت‌پذیر، متخصص، مجرب، متعهد و... مجلسی در تراز انقلاب اسلامی انتخاب کنند، دیگر ناچار به تداوم فعالیت دولتی ضعیف، محافظه‌کار و غیرانقلابی نیستند که تنها با آرمان‌های مدنظر انقلاب اسلامی فاصله زیادی دارد، بلکه حوزه‌های مهم معیشتی و رفاهی مردم را با تهدید جدی مواجه خواهد کرد.

معیار

انتخابات سالم

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی

سلامت انتخابات، شاخصه‌ای برای انتخابات مطلوب است که نظام اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی تحقق آن را دنبال می‌کند. انتخابات معیارسنجی است که وقتی ارزش دارد که بازتاب‌دهنده واقعی خواست و رأی ملت باشد؛ از این رو این میزان و ترازو باید صحیح عمل کرده و آنچه را که هست، به خوبی آشکار کند. در تحقق این امر متولیان برگزارکننده انتخابات نقش مؤثر و کلیدی را دارند که باید سلامت انتخابات را تضمین کنند.

در همین راستا، با تعبیر انتخابات به مثابه «حق الناس» مواجه هستیم که در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافته است. برای فهم بهتر ابعاد حق الناس بودن انتخابات باید به این نکته توجه کرد که انتخابات فرایندی است که بخش‌ها و بازیگران متعددی دارد. لازمه کمال و سلامت آن نیز آن است که هر یک از این بخش‌ها به وظیفه ساختاری خود عمل کنند.

مهم‌ترین رکن انتخابات متعلق به مجریان انتخابات است که به واقع رأی مردم امانتی نزد آنان به حساب می‌آید و انتظار می‌رود در جهت حفظ و صیانت آن بیشترین تلاش را کنند تا کوچک‌ترین تخلفی از خواست و رأی ملت حاصل نشود. بخش دیگر بخش نظارتی است که هم در مرحله بررسی صلاحیت نامزدها نقش دارد و هم در نظارت بر حسن اجرای انتخابات. در مرحله بررسی صلاحیت‌ها رعایت حق الناس همان رعایت قانون است تا اولاً همه کسانی که مطابق با قانون شرایط لازم برای ورود به میدان رقابت انتخاباتی را دارند، بتوانند وارد این میدان شوند و به ناحق کسی ردّ صلاحیت نشود و ثانیاً تنها کسانی که صلاحیت دارند تأیید صلاحیت شده و ناصالحان به هیچ وجه تحت تأثیر تعلقات سیاسی، نفوذصاحبان قدرت و فشار موافقان و مخالفان اجازه ورود در میدان رقابت انتخاباتی را نیابند. تضمین سلامت انتخابات و صیانت از رأی ملت نیز تجلی دیگری از رعایت حق الناس است که برعهده دستگاه‌های نظارتی گذاشته شده است.

صحنه‌گردان اصلی رقابت‌های انتخابات نامزدهای انتخاباتی و احزاب و گروه‌های سیاسی حامی آنان هستند که آنان نیز در حفظ سلامت انتخابات وظیفه دارند. احزاب باید تلاش کنند منافع جناحی را مقدم بر منافع ملی قرار ندهد و متناسب باصلاح کشور و منافع جامعه، بهترین و شایسته‌ترین را برای رقابت سیاسی به مردم معرفی کنند و از فریب و اغواگری افکار عمومی پرهیزند. پایبندی به قانون و اخلاق انتخاباتی می‌تواند بسترساز سلامت انتخابات شود. احزاب سیاسی باید از هر اقدامی که سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برد، پرهیز کنند و نگذارند سلامت انتخابات زیر سؤال برود. انتخابات سالم انتخاباتی است که در آن حتی از یک رأی ملت صیانت شود. عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی نشان داده است؛ همواره از رأی ملت صیانت کرده و اجازه نداده است آنچه غیر خواست و رأی ملت است، محقق شود. تلاش مستمر دشمن برای زیر سؤال بردن سلامت انتخابات نیز هرچند همواره شکست خورده، اما در انتخابات آتی نیز ادامه خواهد داشت، از این رو باید تلاش کرد تا با بصیرت و هوشیاری به متولیان امر انتخابات اعتماد کرد و فریب دشمن را نخورد.

محمد صرفی

روزنامه‌نگار

یکی از نکات قابل تأمل در انتخابات این دوره مجلس شورای اسلامی، رد صلاحیت ۹۰ نماینده فعلی مجلس است. طبق گفته سخنگوی شورای نگهبان، ۹۰ درصد این افراد به دلیل سوءاستفاده مالی از جایگاه نمایندگی و تخلفات اقتصادی رد صلاحیت شده‌اند. کدخدایی در توتیتی در این زمینه نوشته است: «فقدان نظارت در طول دوره نمایندگی از جمله آسیب‌هایی است که مجلس با آن روبه‌روست. استمرار نظارت شورای نگهبان در طول دوره چهار ساله نفی شده و هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان نیز کارآمدی لازم را ندارد.»

چهار کسی بر مجلس نظارت می‌کند؟

بر اساس قانون اساسی، قوای سه‌گانه بر مبنای تفکیک قوا از استقلال برخوردارند، از این رو یکی از دو قوه مجریه یا قضائیه نمی‌تواند رأسا بر نمایندگان مجلس نظارت داشته باشد. نظارت شورای نگهبان نیز تاکنون فقط تا مرحله تصویب اعتبارنامه نمایندگان منتخب بوده است. مجموع

این شرایط سبب شده بود نوعی خلأ قانونی و نهادی در این زمینه حس شود. در اواخر دوره مجلس هشتم، برخی نمایندگان وقت مجلس برای رفع این نقیصه دست به کار شدند و طرحی را آماده کردند. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای طرح مجلس برای خودنظارتی را از مصادیق تقوای جمعی برشمردند و افزودند: «البته در گوشه و کنار کسانی گفتند که این طرح با آزادی نمایندگان مخالف است، اما واقعیت این نیست و فلسفه این طرح نظارت بر کُزرفشاری احتمالی برخی نمایندگان است تا این نهاد قانونی و اساسی که امام بر جایگاه رفیع آن تأکید داشتند، به علت رفتار برخی نمایندگان، بدنام نشود.» ایشان به نمایندگان مجلس توصیه کردند: «طرح خودنظارتی را به گونه‌ای تنظیم کنید که رودریاستی و بده بستان موجب کم‌اثر شدن آن نشود.» بالاخره در فرودین ماه سال ۱۳۹۱ این طرح با ۱۲ ماده در مجلس هشتم به تصویب نهایی رسید و از مجلس نهم وارد فاز اجرایی شد. اما بررسی موارد مطرح‌شده در هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان در مجلس فعلی، نشان می‌دهد این کمیسیون عملکردی ضعیف و حتی در برخی موارد توجیه‌کننده در زمینه سوءاستفاده‌های مالی نمایندگان داشته است.

نظارت بدون رودریاستی

نگاهی به فقدان نظارت کارآمد و رد صلاحیت ۹۰ نماینده مجلس

چهار کسی بر مجلس نظارت می‌کند؟

در حالی که افکار عمومی به دنبال کشف حقیقت و برخورد جدی با نمایندگان متخلف است، عده‌ای می‌گویند با هوشی‌گری و طرح مباحث جنجالی و بی‌پایه، حواس‌ها را بار دیگر از مسائل اصلی منحرف کنند؛ جنجال‌سازان به خوبی می‌دانند شورای نگهبان از منظر قانونی قادر به افشای جزئیات رد صلاحیت افراد نیست و نهایتاً مجاز است دلیل رد صلاحیت را به خود افراد بگوید. در چنین شرایطی، راه برای هوشی‌گری و طرح مباحث انحرافی و عاری از واقعیت باز است. این در حالی است که رد پای برخی نمایندگان در پرونده‌هایی، مانند واگذاری رانتی ۶ هزار خودرو، معامله چند صد کیلو طلا و حتی موضوع کمبود پوشک که سال گذشته رخ داد، وجود دارد.

ملاحظات امروز

۱- محرومیت این چند ده نماینده از شرکت در انتخابات به عنوان نامزد، به هیچ عنوان در برابر اقدام آنها در سوءاستفاده از جایگاه خود کافی نیست. اگر چه شورای نگهبان در زمینه ارجاع پرونده افراد به مراجع قضایی مسئولیت قانونی ندارد، اما دستگاه‌های امنیتی و قضایی باید با ورود سریع و قاطعانه و بدون رودریاستی و مصلحت‌اندیشی به مابرجا، عدالت را درباره

متخلفان به اجرا بگذارند.

۲- وضعیت فعلی گویای این واقعیت است که سازوکار نظارتی مجلس معیوب است. آسیب‌شناسی جدی و فوری این سازوکار و رفع عملی معایب آن، اقدامی ضروری و عاجل به شمار می‌آید. مجلس به عنوان نهادی که قرار است در رأس امور باشد، باید از حیثیت خود دفاع کند و ترمیم و تکمیل این سازوکار، گامی بلند در این زمینه است.

۳- افراد یاد شده هم‌اینک عضو مجلس هستند، بودجه سال آینده را بررسی و تصویب می‌کنند و در روند قانون‌گذاری کشور مشارکت دارند. این در حالی است که صلاحیت آنها برای نمایندگی دور بعد رد شده است. باید فکری هم برای این تضاد شود.

۴- و در نهایت، کلید رفع بخش عمده‌ای از این آفت‌ها و آسیب‌ها در شفافیت است. به فرموده رهبر معظم انقلاب فقط مسائل امنیتی و نظامی و آن هم به دلیل سوءاستفاده دشمن، باید از مردم مخفی بماند و سایر مسائل باید در دید و قضاوت مردم باشد. افکار عمومی بزرگ‌ترین و دقیق‌ترین ناظر هستند؛ البته به شرط آنکه عملکردها و روندها شفاف باشند و دیگر آنکه حاشیه‌سازی حواس‌ها را پرت نکند.

خانه ملت

انتخابات هفتم

تحصن انتخاباتی

آزاد، سالم، رقابتی و عادلانه خواستار شدند. اما اظهارات رهبر معظم انقلاب اسلامی و ایستادگی ایشان در برابر انحراف و بدعتی که در حال شکل‌گیری بود، سبب شد تا جریان انحرافی نتواند به کار خود ادامه دهد و در روز ۱۸ بهمن با صدور بیانیه‌ای به تحصن ۲۶ روزه خود بدون هیچ نتیجه‌ای پایان دادند. محمد خاتمی و مهدی کروبی نیز در روز ۱۹ بهمن ماه در نامه مشترک خود به رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید کردند با وجود عملکرد شورای نگهبان که آن را خلاف توصیه رهبر جمهوری اسلامی دانسته‌اند، انتخابات بر اساس حکم حکومتی وی، از سوی وزارت کشور و با همکاری دولت در موعد مقرر برگزار خواهد شد. سرانجام روز جمعه اول اسفند ۱۳۸۲ فرا رسید و انتخابات برخلاف میل دشمنان انقلاب اسلامی و بازی‌خوردگان داخلی آنان، در زمان موعد و با حضور ملت در سراسر کشور برگزار شد و حدود ۵۲ درصد در انتخابات شرکت کردند و اصولگرایان حائز اکثریت آرا شدند.

انتخابات مجلس هفتم از جهات گوناگونی حائز اهمیت بود. پیروز انتخابات می‌توانست با روحیه‌ای بالاتر و وارد میدان انتخابات ریاست‌جمهوری نهم شود که در سال ۱۳۸۴ قرار بر برگزاری آن بود. در این انتخابات سیدمحمد خاتمی هم نمی‌توانست حضور یابد. در این دوره از انتخابات، مسئله احراز صلاحیت نامزدها از سوی شورای نگهبان به مهم‌ترین محور تبلیغاتی جریان دوم خرداد علیه رقیب مبدل شده بود که نتیجه تداوم آن، «تحصن»، «روژه سیاسی» و «استعفا»ی نمایندگان طیف چپ مجلس بود. در روز ۱۴ بهمن بیش از ۱۲۵ نماینده مجلس استعفای دسته‌جمعی خود را در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده تقدیم رئیس مجلس کردند. همان‌روز استانداران سراسر کشور نیز در اقدامی غیرقانونی و خارج از حیطه اختیارات، با انتشار بیانیه‌ای تعویق زمان برگزاری انتخابات و فراهم آوردن فضای انتخاباتی در فرصت باقی مانده تا اول اسفند را برای برگزاری انتخاباتی

مطالبه ملت

پرویز سروری در یادداشت شفاهی مطرح کرد

ضرورت نظارت بر نمایندگان

قدرت بسیاری دارد و می‌تواند کل دولت و کشور را به چالش بکشد و امکان استیضاح، سؤال و تذکر را دارد؛ به همین دلیل بر قوه مجریه نظارت جدی دارد. این میزان از اختیارات نیاز به صلاحیت ویژه نیز دارد.

فردی که می‌خواهد به عنوان نماینده ملت وارد پارلمان شود، باید ظرفیت‌هایی داشته باشد، اما قانون در این زمینه به‌شدت ضعیف و ناکارآمد است؛ به همین دلیل زمینه‌ورود افرادی ناهمگون یا سوءاستفاده‌گر به مجلس فراهم می‌شود. به علت قدرتی که به نمایندگان اعطا می‌شود، هم باید ورود به مجلس کنترل شود و هم پیگیر بحث شفافیت به عنوان مهم‌ترین مطالبه باشیم، به تعبیری، باید شرایط را طوری فراهم کرد که نمایندگان مجبور شوند در یک ظرف مشخص و چارچوب تعیین‌شده قرار بگیرند.

موضوع نظارت بر نمایندگان از مهم‌ترین مسائلی است که باید به طور جدی بررسی شود. قانون به شکلی تنظیم شده است که نمایندگان به سبب مسئولیت سنگین‌شان بر همه دستگاه‌ها نظارت می‌کنند؛ به همین علت نظارت جدی بر نمایندگان وجود ندارد، البته تمهیدات بسیار ضعیفی داخل مجلس تنظیم شده است که تا به حال به هیچ وجه نتوانسته است بر فعالیت نمایندگان نظارت جدی داشته باشد. امروز باید نمایندگان در یک پارلمان شیشه‌ای قرار گیرند تا مردم بتوانند

نمایندگان خود را به طور دائم از لحاظ آراء، رفتار و اقدامات رصد کنند؛ چراکه مهم‌ترین سیستم نظارتی بر نمایندگان، مردم هستند که به آنها رأی داده‌اند.

نکته دیگر بحث ورود نماینده‌ها به مجلس است. نماینده طبق قانون

پرسمان

عبور از صافی شورای نگهبان

صبح روز ۱۰ آذر ماه سال جاری نام‌نویسی از داوطلبان نمایندگی یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی آغاز شد و تا پایان ۱۶ آذر ماه ادامه داشت که طی این مدت ۱۶ هزار و ۳۳ نفر در همه حوزه‌های انتخابیه کشور نام‌نویسی کردند و در روز ۲۷ آذر هیئت‌های اجرایی انتخابات نتایج مرحله اول بررسی صلاحیت‌ها را اعلام کردند که صلاحیت ۹۱/۲ درصد افراد در هیئت‌های اجرایی تأیید و به هیئت‌های نظارت اعلام شد. بررسی هیئت‌های نظارت استانی شورای نگهبان نسبت به احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در ساعات پایانی شنبه ۲۱ دی ماه به پایان رسید؛ اما اعلام نتیجه بررسی‌ها مبنی بر احراز صلاحیت‌های داوطلبان انتخابات مجلس برای برخی اشخاص از جناح‌های سیاسی به ویژه اصلاح‌طلبان خبر خوبی نبود. بسیاری از اشخاص سرشناس جریان‌های سیاسی، از جمله ۹۰ نفر از نمایندگان فعلی مجلس نتوانستند از این مرحله عبور کنند، در نتیجه برخی از چهره‌های سیاسی مشهور از دور رقابت‌های انتخاباتی حذف شدند. «کدخدایی»

علی بیگلری

کارشناس سیاسی

در ۴۰ سال گذشته، انتخابات در ایران با شور و شوق و با تحریک احساسات و عواطف هواداران کاندیداها مواجه بوده است. امسال نیز امید است مردم با بصیرت مثال‌زدنی خود، شور و نشاط و صف‌ناشدنی را به تمامی ملت‌های جهان نشان دهند. با این اوصاف، دشمنان نظام جمهوری اسلامی همانند سال‌های گذشته با لجن‌پراکنی و دروغ‌پردازی سعی بر کم‌رونی نشان دادن عرصه انتخابات در کشور دارند. سایت وهابی «کلمه»، متعلق به عربستان سعودی با درج یادداشتی این چنین آورده است: «شهروندی که چنین غرق در مشکلات اقتصادی، گرانی، فقر، نابسامانی‌های اجتماعی و وعده‌های دروغین کاندیداهاست، نه تنها خودش را فراموش کرده، بلکه معنا و مفهوم انتخابات را هم فراموش کرده است! وقتی دبیر کل حزبی شناخته‌شده با پایگاه

موج بیگانه

تیری در قلب ضد انقلاب

وسیع مردمی، مانند حزب اتحاد ردّ صلاحیت می‌شود، آیا می‌توان گفت انتخابات به معنای گزینش آگاهانه و بر اساس رقابت شایسته صورت می‌گیرد؟ آیا مجلسی که در رأس امور است با این نظارت استصوابی امکان تشکیل خواهد داشت؟ باور کنید انتخابات پر شور و شوق در چنین فضایی تنها به شوخی می‌ماند.» این سایت با اشاره به یادداشت محمدتوسلی در روزنامه سازندگی در ۲۹ دی ماه با موضوع «اصلاحات جامعه‌محور و بازگشت به مردم» این‌گونه القا می‌کند که با توجه به کاهش قابل توجه پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان، پیش‌بینی می‌شود مردم در این انتخابات حضور کمتری داشته باشند و تنها راهکار واقع‌بینانه در راستای منافع ملی، اصلاحات جامعه‌محور و بازگشت به خود مردم است. نتیجه اینکه ضد انقلاب همانند گذشته سعی در انحراف افکار عمومی داخل و خارج کشور را دارد و با حمله به بازوان توانمند نظام، مثل شورای نگهبان و سپاه به دنبال کم‌رونی کردن انتخابات و جلوگیری از حضور باشکوه مردم پای صندوق‌های رأی است.

نگاهی به مواضع سران اروپایی پس از ترور سردار سلیمانی به دست آمریکا

اتحادیه اروپا در کجا ایستاده است؟



مرزیه اخلامی

کارشناس مطالعات منطقه‌ای

با ترور و به شهادت رساندن ژنرال بلندپایه ایرانی، شهید قاسم سلیمانی همه امیدهای سیاستمداران اروپایی برای زنده نگه داشتن برجام تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بر باد رفت. از سوی دیگر، انتظار می‌رود پارلمان عراق طرح اخراج پنج هزار نیروی نظامی آمریکا را تصویب کند؛ آن هم بدون توجه به پیامدهای این تصمیم، از جمله چگونگی مبارزه با خطر داعش. این نگرانی‌ها در واکنش مقام‌های اروپایی به خبر شهادت سردار سلیمانی آشکار است. آنها در بیانه‌های خود بدون محکوم کردن اقدام آمریکا صرفاً از دو طرف خواسته‌اند، خویشتن‌داری کنند. اتحادیه اروپا همچنین اعلام کرد، آماده است به تعامل خود با تمام طرف‌ها در راستای مشارکت در کاهش تنش‌ها ادامه دهد. در این راستا گفت‌وگوهایی مستقیم یا به واسطه برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با طرفین داشت و تصمیم گرفت در وهله اول برای کاهش تنش‌ها در منطقه غرب آسیا نقش میانجی را ایفا کند و در مرحله دوم سعی دارد اعتبار بین‌المللی خود را مجدداً به رخ جامعه جهانی بکشد. متحدان اروپایی آمریکا از یک سو با تردید از حمله‌ای که با مجوز دونالد ترامپ انجام و به شهادت حاج قاسم سلیمانی در بغداد منجر شد، حمایت کردند، اما از سوی دیگر فوراً خواستار خویشتن‌داری دو کشور به امید جلوگیری از درگیری گسترده‌تر شدند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا تصریح کرد: «هم‌پیمانان اروپایی واشنگتن آن‌طور که امید می‌رفت، در ترور سردار سپهدر حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران مفید نبودند.»

جمهوری اسلامی ایران، بعد از شهادت سپهدر سلیمانی، خواهان اتخاذ مواضع مستقل اتحادیه اروپا درباره مسائل مهم منطقه شد و اعلام کرد، امنیت در منطقه امکان‌پذیر نیست مگر اینکه همه به قانون احترام بگذارند و تلاش کنند مانع تکرار این‌گونه جنایات در سطح جهان شوند. همچنین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مواضع کشورهای اروپایی در زمینه ترور سردار سلیمانی را نادرست خواند و اعلام کرد اروپایی‌ها در زمینه مسائل منطقه‌ای و حضور و نفوذ ایران، موضع هم‌سویی با ماندناشته و ندارند، بلکه تا حدودی، نظر آنها هم‌سو با آمریکا بوده است. مواضع اخیر آنها تا حدودی گستاخانه بوده و سازنده و قابل قبول نبوده است. صحبت‌های اتحادیه اروپا درباره گسترش تروریسم در منطقه و نقش سپاه، فرار رو به جلو و فرافکنی آشکار است. حرف آنها درباره تروریسم و نقش ایران، حرف گزافی است، حتی اگر این حرف برای خوشایند آمریکا باشد. به نظر می‌رسد امروز

اروپا با آزمون مهم دیگری مواجه باشد؛ آزمونی که شاید به دلیل شکست این اتحادیه در آزمون پیشین (حفظ برجام)، خود را به شدت درگیر آن می‌بیند. اروپایی‌ها خواهان نقش‌آفرینی جدی‌تری در آینده نظم بین‌الملل هستند. اما امروز و در دوره گذار، از طرفی نمی‌خواهند کماکان به عنوان بازیگر مکمل، در غرب آسیا حضور داشته باشند و اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده آنها را با چالش‌هایی جدید مواجه کند و از طرفی خواهان نقش‌آفرینی جدی و مستقل در مسائل امنیتی در همسایگی دور خود هستند.

در پی اقدام تروریستی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران در واکنش به بدعهدی اتحادیه اروپا در تعهدات بین‌المللی خود، تعهداتش را در برجام لغو کرد، اما از آن خارج نشد. قدم آخر و گام پنجم ایران، بازگشت از تعهدات برجام و لغو تمامی محدودیت‌های باقی‌مانده بود. با این حال تهران اعلام کرده است اگر اروپایی‌ها به تعهدات‌شان عمل کنند، این گام‌ها قابل بازگشت هستند. ایران این تصمیم را چهار روز زودتر از موعد مقرر اعلام کرد. ظریف، وزیر امور خارجه ایران گفته است این کاهش تعهدات بر اساس بند ۳۶ توافق هسته‌ای انجام گرفته است.

بند ۳۶ برجام ناظر بر «سازوکار حل و فصل اختلافات» میان طرفین است و طبق آن اگر تهران به این نتیجه برسد که هر یک از اعضای حاضر در برجام تعهدات خود را انجام نداده‌اند، می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع دهد و در صورتی که از این روش نتیجه نگرفت و به این نتیجه رسید که سر باز زند اعضای برجام از اجرای تعهدات‌شان مصادق عدم

پایبندی اساسی آنها به توافق است، می‌تواند این موضوع را ضمن ابلاغ به شورای امنیت سازمان ملل، مبنای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قرار دهد. در همین راستا انگلیس، فرانسه و آلمان مکانیسم ماشه برجام را فعال کردند. ادعای این سه کشور اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، عدم پایبندی ایران به تعهداتش در چارچوب توافق هسته‌ای موسوم به برجام بود. در بخشی از بیانیه فعال‌سازی مکانیسم ماشه ترونیکی اروپایی ادعا شده است: «ما همچنان بر حفظ توافق هسته‌ای پایبند هستیم و به کارزار فشار حداکثری آمریکا علیه ایران نخواهیم پیوست، اما نمی‌توانیم نظر ایران مبنی بر داشتن حق کاهش تعهدات هسته‌ای براساس توافق ۲۰۱۵ را بپذیریم.» بنا بر این بیانیه، این دولت‌ها در هماهنگی با سرویس روابط خارجی اتحادیه اروپا این تصمیم را گرفتند.

با توجه به شدت و حدت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و عدم مشروعیت فعال‌سازی مکانیسم ماشه و به تبع آن تجدید قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت علیه ایران، بنابر افکار عمومی جهانیان به نظر می‌رسد اقدام اروپایی‌ها در اعلام فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران، بیشتر جنبه تبلیغاتی و پروپاگاندایی دارد. اما آمریکا امیدوار است انگلیس می‌تواند پس از خروج از اتحادیه اروپا، به طور مستقل تحریم‌هایی اقتصادی را علیه ایران وضع کند. لغو برجام از سوی جانسون، که ترامپ انگلیس لقب گرفته است، می‌تواند به منزله رد کردن چیزی باشد که اروپا آن را دستاورد دیپلماسی چندجانبه‌می‌داند.

چارچوب اساسی مواجهه ایران با اتحادیه اروپا در بخش حمایت از گروه‌های اسلامی در کشورهای اسلامی جبهه مقاومت، مانند، عراق، لبنان، سوریه و... ایران اعلام کرد هیچ خللی در سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی به وجود نخواهد آورد و حمایت‌های خود را از تصویب طرح خروج نیروهای آمریکا از عراق در مجلس عراق رسماً اعلام کرد. در واقع خون‌بهای شهید قاسم سلیمانی را خروج آمریکا و متحدانش از منطقه غرب آسیا با همکاری تمام گروه‌های مقاومت در منطقه اعلام نمود. با وجود پادرمیانی گسترده کشورهای مختلف از جمله سران اروپایی، ایران حاضر به کوتاه آمدن از سیاست‌های اصلی اتخاذشده در سیاست خارجی و قانون اساسی خود مبنی بر تغییر سیاست‌های منطقه‌ای نشد.

با به شهادت رسیدن سپهدر سلیمانی، تحولی جدی و راهبردی در منطقه صورت گرفته و تبعات مختلفی داشته که در اشکال مختلف خود را نشان داده است و یکی از آنها محاسبات جدید امنیتی در بقیه کشورهای منطقه است؛ کشورهایی که به چتر امنیتی آمریکا دل و امید بسته بودند و زیر آن زندگی می‌کردند، در چند ماه گذشته ناتوانی آمریکا را در محافظت از خودشان در موارد گوناگون مشاهده کردند و بی‌ارادگی و ضعف آمریکا را در واکنش به حملاتی که به آنها شد، دیدند. حتماً محاسبات امنیتی بین کشورهای منطقه غرب آسیا دچار تحول خواهد شد و در سیاست‌های اتحادیه اروپا و آمریکا، تجدید نظر صورت خواهد گرفت؛ نشانه‌های این تجدید نظر را در یک‌سری تحولات و رفت و آمدها مشاهده می‌کنیم.

رصد

پایان حضور اشغالگران

هدف واشنگتن در عراق

نشنال اینترست: بزرگ‌ترین مانع احیای داعش در عراق، حکومت خوب و ثبات در سیاست عراق خواهد بود. نیروهای آمریکا در تحقق این هدف مشارکت نمی‌کنند، بلکه به جای آن با تبدیل عراق به محلی برای مبارزه با ایران، به بی‌ثباتی و تنش فرقه‌ای که عراق را به زمین بازی مطلوب‌تری برای داعش تبدیل می‌کند، می‌افزایند. علاوه بر این، مقاومت در برابر اشغال خارجی، به طور مرسوم، یکی از انگیزه‌های اصلی تروریسم بوده است.

راه حل در لیبی سیاسی است!

دویچه وله: بازیگران اصلی بین‌المللی دخیل در درگیری لیبی در برلین دیدار کردند تا راهی را به سوی توافق آتش‌بس و مذاکرات صلح ببیمایند. از آنجا که این درگیری‌ها به صورت نظامی حل نخواهد شد، طرف‌های درگیر حالا به دنبال راه‌حلی سیاسی هستند.

فرا تر از منطقه

الجزیره: با یک تقسیم کار مشخص، سلیمانی و قائی نقش راهبردی در گسترش نفوذ ایران در کشورهای همسایه داشتند. انتخاب اسماعیل قانّی در اوج تنش میان تهران و واشنگتن با هدف اطمینان از انتقال سریع و آرام در رهبری یک واحد استراتژیک صورت گرفت. انتظار می‌رود همان سیاست‌های قبلی، اما احتمالاً با انرژی بیشتر و بی‌کم و کاست ادامه یابد؛ به ویژه اینکه به نظر می‌رسد فشار حداکثری آمریکا هم‌اکنون شامل حذف فرماندهان است. هر چند عملیات‌های نیروی قدس تحت ریاست قائّی ممکن است فعالیت‌های نیروی قدس فراتر از این مناطق گسترش یابد.

شرط ثبات خروج آمریکا

فارین پالیسی: روسای جمهور ایالات متحده آمریکا خواه در دوران دموکرات‌ها و خواه در دوران جمهوری‌خواهان بر یک نکته مشترک اتفاق نظر داشته‌اند چنانکه بیش از یک دهه شعار اصلی سیاست خارجی آمریکا این بوده است که خاورمیانه بدون ایالات متحده به هرج و مرج کشیده خواهد شد. یا حتی بدتر، ایران امپراطوری پارسی را زنده کرده است و کل منطقه را خواهد بلعید. اما دیدیم با دخالت نکردن آمریکا در حمله به تأسیسات نفتی آرامکو و اعلام دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از منطقه، هیچ هرج و مرج یا سلطه‌طلبی‌ای پیش نیامد؛ بلکه دیپلماسی منطقه‌ای نوظهور به ویژه میان ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی-و تنش‌زدایی پا به عرصه گذاشت. اما پس از ترور ژنرال قاسم سلیمانی به دست آمریکا کارتهای بازی بار دیگر به هم ریخت. در سایه ترامپ منطقه بار دیگر به سمت منازعه پیش رفته است و نشانه‌های اولیه پیشرفت دیپلماتیک که در ماه‌های پیشین حاصل شده بود، اکنون ناپدید شده است.

۵

جهان

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

صداقت

یادداشت

ایالت پنجاهویکم آمریکا!

اکبر معصومی

کارشناس مسائل بین‌الملل



رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با «رووین ریولین» رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی از تمایلات خود برای گنجاندن برنامه موشکی بالستیک ایران در توافق جدید با ایران خبر داده است. صحبت مکرون درباره برنامه موشکی و توافق جدید و به تبع آن حمایت ترونیسکای اروپایی از فرانسه، در حالی صورت گرفت که در یک و نیم سال گذشته، تصور عده‌ای بر این بود که اروپایی‌ها در تلاشند برجام را به عنوان توافق‌نامه‌های بین‌المللی نگه دارند و در این زمینه با آمریکا و شخص ترامپ اختلاف دارند؛ اما واقعیت امر نشان می‌دهد، اروپای مستقل از آمریکا چندان معنا و مفهومی، حداقل در حوزه سیاست خارجی ندارد. پس از آنکه آمریکا و شخص ترامپ اعلام کرد اگر اروپا مکانیسم ماشه در برجام را فعال نکند، ایالات متحده تعرفه ۲۵ درصدی را بر صنعت خودروسازی اروپا اعمال خواهد کرد، بلافاصله کشورهای اروپایی در مقام خوش‌رقصی برای ترامپ ظاهر شدند و هر یک سعی کردند تا می‌توانند با تهدید خواندن ایران و حتی توافق برجام که خود متعهد به آن شده‌اند، به نوعی شرافت خود را در مقابل آمریکا به حراج بگذارند. اروپایی‌ها در اظهارات گستاخانه و مطابق خواست کاخ سفید خواستار آن شدند که ایران درباره توان دفاع موشکی خود پای میز مذاکره برسد، از طرفی، رابطه بین اروپا و آمریکا به نوعی تداعی‌کننده رابطه دولت مرکزی آمریکا با ایالت‌های ۵۰گانه خود است. به این صورت که هر یک از ایالت‌های آمریکا در قوانین داخلی خودشان مستقل از دولت مرکزی هستند و قوانین هر ایالتی متفاوت از همسایه ایالتی خود است و تنها در چند حوزه تابع دولت مرکزی هستند که مهم‌ترین بخش آن سیاست خارجی است. حال دنباله‌روی اتحادیه اروپا از آمریکا در موضوعاتی، همچون برجام نشان می‌دهد، اروپایی مستقل حداقل در حوزه خارجی وجود ندارد. در واقع بعد از به رسمیت یافتن اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲، این اتحادیه همواره در مسائل گوناگون هسته‌ای و غیر هسته‌ای دنباله‌رو سیاست‌های ظالمانه آمریکا بوده است و سیاست مشترکی را با ایالات متحده اتخاذ کرده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- موضوع حقوق بشر؛ اتحادیه اروپا سیاست آمریکا را در زمینه حقوق بشر دنبال می‌کند. آنها همواره موتور محرکه آمریکا برای تهیه پیش‌نویس به منظور تصویب قطعنامه‌های حقوق بشری علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل بوده‌اند.

۲- همراهی آمریکا در حملات سایبری علیه جمهوری ایران که مهم‌ترین نمونه آن ویروس بسیار خطرناک «استاکس نت» بوده است.

۳- دنباله‌روی اروپا از آمریکا در حمایت از گروه‌های تروریستی همچون داعش، القاعده و به تازگی نیز ایجاد و تجهیز گروه‌هایی در داخل کشورها برای ضربه زدن به دولت مرکزی کشورها. برای نمونه می‌توان به حضور سفیر انگلیس در اعتراضات غیر قانونی مقابل دانشگاه امریکبیر اشاره کرد. این کشور تمام تلاش خود را به‌کار برده است تا با ایجاد ناامنی در داخل ایران، بتواند خوش‌رقصی خود را نسبت به آمریکایی‌ها نشان دهد. بنابراین بی‌جهت نخواهد بود که اروپای امروزی را پنجاهویکمین ایالت آمریکا معرفی کنیم و برای همگان آشکار شود اروپای مستقل از آمریکا در سیاست خارجی چندان موضوعیت ندارد.

منهای نفت

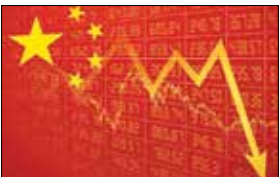
سالم سازی اقتصاد



تحریم‌ها به دلیل ساختار ضعیف، ناکارآمد و شکننده اقتصاد ملی ایران بر کشور اثرگذار بوده و در واقع ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران را پیش چشم ما نمایان کرده است. تحریم اگرچه مشکلات جدی برای کشور به وجود می‌آورد؛ اما در عین حال یک فرصت طلایی برای اصلاح ساختارها ایجاد کرده و مقاومت سیاست‌پوین در برابر اصلاح ساختارهای اقتصاد را کاهش می‌دهد. در وضعیت فعلی، اگرچه تحریم‌ها ناکارآمدی اقتصاد ایران را نمایان‌تر کرد، اما حذف تحریم‌ها قادر به حل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران نخواهد بود و تنها راه، عزم جدی دولت برای سالم‌سازی اقتصاد است؛ در غیر این صورت حذف تحریم‌ها صرماً مسکنی موقتی خواهد بود.

شاخص

رشد منفی در چین



اقتصاد چین در دهه‌های اخیر از معدود اقتصادهای دنیا بوده که همواره رشد‌های اقتصادی مثبت و بسیار بالا داشته است، با این حال طبق آماري که دولت چین درباره شرایط اقتصادی این کشور در سال گذشته منتشر کرد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال گذشته به ۶/۱ درصد منحصر شد که نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته است. از زمان اصلاحات اقتصادی اواخر دهه ۱۹۷۰، اقتصاد چین رشد قابل توجهی داشته که در برخی سال‌ها حتی از ۱۵ درصد هم بیشتر بوده است. با این تفاسیر می‌توان گفت رشد اقتصادی در چین به پایین‌ترین میزان خود در سه دهه گذشته رسیده است.

افزوده

نقدینگی چیست؟



«نقدینگی» به مجموعه پول و شبه پول در اقتصاد گفته می‌شود. پول همان اسکناس‌های در اختیار مردم و افراد جامعه (Cash) و شبه پول نیز میزان پول و اعتبار افراد حقیقی و حقوقی در حساب‌های بانکی‌شان است که به مجموع این دو (پول و شبه پول) نقدینگی گفته می‌شود. هر گاه در اقتصادی قیمت‌ها همواره در حال افزایش بوده و ثبات قیمتی در حداقل حالت ممکن خود قرار گیرد، درصد شبه پول کاهش و میزان پول در جامعه افزایش پیدا می‌کند که خود این موضوع سبب افزایش سرعت گردش پول در آن اقتصاد و افزایش قیمت‌ها خواهد شد.

حمید رضا جوانبخت

خبرنگار



آقای دکتر به عنوان سؤال اول می‌خواستم تحلیل‌تان را درباره افزایش بودجه‌نظامی، امنیتی کشور و تأثیر آن در ثبات اقتصادی بدانم؟

خوشبختانه، کشور ما منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی بسیاری دارد؛ اما مدیران و مسئولان ما هزینه‌کرد صحیح آن را در جای مناسب آن بلد نیستند. جایی که باید هزینه کنیم، هزینه نمی‌کنیم و جایی که باید جلوی هزینه‌ها را بگیریم هزینه‌ها را اضافه می‌کنیم. بنابراین ما با نبود برنامه‌ریزی در کشور مواجه هستیم. در وهله دوم پیشرفت هر کشوری به دو عامل «امنیت» و «رشد اقتصادی» وابسته است، اگر بخواهان امنیت کشور هستیم، امنیت هزینه دارد؛ بنابراین با حفظ امنیت اقتصاد پویایی خواهیم داشت که خوشبختانه با تلاش نیروهای امنیتی داخلی و برون‌مرزی امنیت در کشور برقرار است، بنابراین در درجه دوم باید به رشد اقتصادی توجه کنیم.

متأسفانه، دستگاه‌های اجرایی کشور حیف و میل‌های زیادی دارند، وزارت‌خانه‌های اقتصادی و بانک‌ها نیز مخارج سرسام‌آوری دارند که بسیاری از آن غیر ضروری است، شاید قابل باور نباشد که یکی از بانک‌های کشور تنها برای تعویض تابلوهایش ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه کرد تا رنگ تابلو را عوض کند! آیا تغییر رنگ تابلوی بانک اولویت ماست یا هزینه برای تأمین امنیت کشور؟ اگر می‌خواهیم در آرامش زندگی کنیم، تأمین امنیت در درجه اول بسیار حائز اهمیت است، بعد از آن باید به دنبال اصلاح مسائل اقتصادی باشیم؛ از این رو می‌توان گفت بودجه در نظر گرفته شده برای امنیت کشور در حال حاضر بودجه بسیار ناچیزی است، ما مدیون افرادی هستیم که با جان و دل برای حفظ امنیت ملت تلاش می‌کنند.

با توجه به حوادث اخیر پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و تأکید ایران بر خروج آمریکا از عراق و منطقه، از نظر شما خروج آمریکا از منطقه چه تأثیرات اقتصادی برای ما و منطقه خواهد داشت؟

از هر جهت خروج آمریکا از عراق برای ما بهتر است؛ به ویژه از نظر اقتصادی؛ چرا که آمریکا کاری در عراق ندارد؛ یعنی به لحاظ اقتصادی در عراق و کشورهای منطقه کمکی به شمار نمی‌رود. بیرون راندن داعش از عراق ناشی از حضور مستشاری ایران و نه کشوری، مانند آمریکا در عراق بود. بنابراین حضور آمریکا در منطقه تنها در راستای دخالت در اقتصاد کشورهای منطقه است. علاوه بر اینکه آمریکا ثابت کرده است با استقرار خود هدفی جز چپاول منابع منطقه ندارد.

آمریکا با هدف مانع‌تراشی در تجارت کشورها در منطقه حاضر است و این مسئله فقط به کشور ما مربوط نیست، آمریکا برای هر کشوری سهم تعیین می‌کند تا حضور خود را بر کشورها تحمیل و تثبیت کند. با این تفاسیر اصلاً دلیلی برای ادامه حضور و باقی ماندن آمریکا در منطقه وجود ندارد، چرا که منطقه از نعمت وجود کشورهای قدرتمندی چون ایران برخوردار است.

بازار عراق بازار خوبی برای اهداف صادراتی و البته گسترش مراودات تجاری دو طرفه برای ما محسوب می‌شود، به نظر‌تان آینده روابط تجاری ما با عراق چگونه خواهد بود؟

در سال‌های اخیر، عراق در حال رسیدن به یک ثبات اقتصادی و سیاسی است که همین عوامل سبب رونق اقتصادی این کشور می‌شود. عراق به مثابه کشور برادر و همسایه سال‌ها با ایران در ارتباط بوده است، پس از حضور

حمایتی ایران از عراق ما به لحاظ اقتصادی ارتباط تجاری خوبی را با تجار عراقی رقم زدیم، تا آنجا که تجار ایرانی و عراقی همچنان به صورت اعتباری با همدیگر کار می‌کنند؛ تجارتی که سال‌های سال ادامه پیدا کرده و می‌تواند رونق خوبی داشته باشد. چرا که ایران و عراق ظرفیت‌های بالایی برای افزایش ارتباط تجاری و اقتصادی با یکدیگر دارند، بنابراین می‌توانیم در این راستا با هم همکاری کنیم و مفید واقع شویم.

خود این ارتباط تجاری و اقتصادی می‌تواند به عاملی تبدیل شود تا نیروهای آمریکایی هر چه سریع‌تر از منطقه خارج شوند. برای نمونه، صادرات غیر نفتی ما به عراق چندین سال است که بین ۶ تا ۸ میلیارد دلار است. این ثبات نسبی به این معناست که ما در زمینه صادرات همچنان سنتی عمل می‌کنیم که متأسفانه یکی از ایرادات اقتصاد ایران همین موضوع تجارت سنتی است، در صورتی که تجارت دنیا مدرن و پیشرفته شده است؛ یعنی سازمان توسعه تجارت هر کشوری برای تجارت و صادرات خود برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری می‌کند.

سازمان توسعه و تجارت در این بین باید چه موضوعاتی را برای توسعه صادراتی و تجاری ایران با عراق و برهم نخوردن تعادل عرضه کالا در داخل کشور رعایت کند؟

تجار ما به صورت سنتی قرارداد محصولات کشاورزی را با تجار عراقی امضا می‌کنند؛ در حالی که توجهی به نیاز داخل نمی‌شود و تجارت خارجی براساس نیاز کشور سنجیده نمی‌شود، یعنی در چنین شرایطی محصولات خود را به عراق صادر می‌کنند و کمبود محصول در داخل کشور سبب افزایش قیمت داخلی می‌شود و می‌بینیم دولت گاهی مصوباتی مبنی بر صادر نکردن یک کالای خاص به عراق صادر می‌کند، که در چنین شرایطی دید تجار عراقی نسبت به همکاری با تجار ما تخریب می‌شود.

هر چند این اتفاقات به معنای قطع ارتباط تجاری نیست؛ اما اگر بخواهیم تجارت‌مان را با کشورهای همسایه رونق دهیم که این مسئله هم مورد تأکید رهبر معظم انقلاب و هم جزء مفاد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، نیازمند انجام نیازسنجی از طریق سازمان توسعه تجارت هستیم تا نیاز تجاری و صادراتی ما با کشورهای همسایه اعم از عراق، ترکیه، افغانستان و... مورد هدف‌گذاری قرار گیرد؛ یعنی نیازسنجی به این دلایل مهم است، کشاورزان ما در همدان به دلیل حاصل‌خیز بودن خاک این استان سبب‌زمینی می‌کاشند؛ اما به دلایل ذکر شده به سمت کشت زعفران رفتند، چرا که زمان عرضه سبب‌زمینی قیمت‌ها می‌شکند و بازار توان و کشتی برای خرید سبب زمینی با قیمت واقعی آن را ندارد، بنابراین تا زمانی که سازمان توسعه و تجارت به نیازسنجی اهمیت ندهد و براساس نیازهای داخلی و خارجی هدف‌گذاری نکند و صادرات سنتی کشور را به سمت صادرات مدرن هدایت نکند، نمی‌توان از رشد اقتصادی تجارت داخلی سخن گفت. قطعاً در صورت هدف‌گذاری و نیازسنجی و توجه به سایر مؤلفه‌های مورد نیاز می‌توان

رقم ۸ تا ۱۰ میلیارد دلاری صادرات به عراق را به ۲۰ میلیارد دلار افزایش داد.

یعنی معتقدید حتی در این وضعیت تحریمی می‌توان به افزایش صادرات امید داشت و بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی کشور ناشی از سوء مدیریت هاست؟

بخشی از مشکلات کشور ناشی از مدیریت نادرست اقتصادی است. باید قبول کنیم که متأسفانه سیستم مدیریتی مان ایراد دارد، نمونه آن همین مسائل تجاری کشور است. برای نمونه ما در سال ۱۳۹۲ در حالی که بدترین وضعیت سیاسی در کشور را داشتیم، تجارت ما با کشور ترکیه ۱۴ میلیارد دلار و تراز تجاری ما با ترکیه مثبت چهار و نیم میلیارد دلار بود، در حالی که انتظار می‌رفت حداقل سالی دو میلیارد دلار به این رقم افزوده شود، بعد از گذشت هفت سال به ۵ میلیارد دلار کاهش یافته که ۵۱ درصد کاهش صادرات به ترکیه را نشان می‌دهد.

متأسفانه این آمار حدود ۲۰ روز پیش از سوی وزارت صمت منتشر شد. در حالی که بعد از گذشت هفت سال باید ۲۸ میلیارد دلار به ترکیه صادرات داشتیم، متأسفانه این رقم به ۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است، یعنی ۲۳ میلیارد دلار فرصت و تراز تجاری را از دست داده‌ایم. آیا به جز بی‌تدبیری مدیران می‌توان نام دیگری بر این رویه نهاد؟ متأسفانه دولتمردان ما برای این مهم کمترین برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری نکرده‌اند؛ در حالی که همه کشورها این هدف‌گذاری‌ها را اولویت می‌دانند.

کشور ترکیه در سال ۲۰۱۸ برای محصولات فرهنگی خود هدف‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری کرد؛ اما بیش از این رقم یعنی ۲۳ میلیارد دلار صادرات محصولات فرهنگی داشت. بی‌شک کشورهایی در این عرصه موفق هستند که هدف‌گذاری دولت به معنای دخالت در اقتصاد نیست، بلکه دولت وظیفه‌اش هدف‌گذاری و نظارت بر اقتصاد کشور است. این معضل ماست و ما به راحتی می‌توانیم بازارهایی مانند عراق، افغانستان و کشورهای اوراسیا را که ظرفیت بزرگی برای ایران به شمار می‌روند، هدف صادراتی خود قرار دهیم. براساس آماری که وجود دارد، کشورهای همسایه حدود ۱۴۰۰ میلیارد دلار ظرفیت تجاری دارند، اما در حال حاضر از این ظرفیت عظیم، فقط رقم ۲۴ میلیارد آن متعلق به ایران است که این نشان‌دهنده ضعف مدیریتی، برنامه‌ریزی و اقتصادی مدیران ماست. کشورها بخشی به نام دیپلماسی اقتصادی در وزارت خارجه دارند که موظف به انجام دیپلماسی اقتصادی در راستای بهبود اقتصادی کشور است؛ در حالی که ما در ایران بخشی به نام «دیپلماسی اقتصادی» نداریم، در حال حاضر، اگر به عنوان بخش خصوصی به وزارت خارجه بروید، حتی دلیلی برای پاسخگویی به شما نمی‌بینند، چه بوسد به بستر سازی اقتصادی.

در حالی که وقتی بنگاه‌های خصوصی در همه جای دنیا به وزارت امور خارجه مراجعه می‌کند، حمایت‌های همه‌جانبه‌ای از آنها به عمل می‌آورند. در حالی که متأسفانه دولتمردان ما هر چند غیر عمدی، اما تجارت ما را با کشورهای منطقه تخریب کرده‌اند، قطعاً منطقه منتظر

بررسی پیش شرط‌های توسعه صادرات در گفت‌وگوی صبح صادق با محمدرضا جهان بیگلری

دیپلماسی اقتصادی را تقویت کنیم

ظرفیت‌های بی‌نظیر اقتصادی ایران، از کشاورزی تا پیچیده‌ترین صنایع، مشتقات نفتی، دارو، صنایع دستی و...، در کنار ظرفیت بالای چند صد میلیونی کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران و مناطق قفقاز و شمال آفریقا و... شرایط ویژه‌ای برای کشورمان به وجود آورده است؛ اما متأسفانه بهره‌برداری دولت جمهوری اسلامی از این شرایط بسیار با آنچه امکان تحقق آن است، فاصله دارد. برای بررسی آنچه تا امروز در این زمینه انجام شده است و آنچه در ادامه باید انجام شود، به سراغ محمدرضا جهان بیگلری، عضو اتاق بازرگانی رفتم و در این باره گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

ما نمی‌ماند و وقتی می‌بیند میزان صادرات کشور ما کم است، به دنبال کشورهای دیگری برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود می‌رود. متأسفانه کشورهای دیگری جای ما را در منطقه گرفته و تصاحب کرده‌اند. برای نمونه، ترکیه برای فعالیت‌های تجار خود در قطر اقدام به ساخت زیرساخت‌های مورد نیاز اعم از اسکله و... کرد و بعد از آنها تجارت و صادرات خواست؛ اما ما برای صادرکنندگان خود چه کرده‌ایم؟ ما صادرکنندگان خود را نابود کرده‌ایم! و اجازه نداده‌ایم صادرات ما به قطر ادامه پیدا کند.

نظر‌تان نسبت به عملکرد آقای روحانی در دوره قبلی و دوره فعلی چیست؟ آیا عملکرد اقتصادی قابل قبولی در کارنامه دولت‌های آقای روحانی ثبت شده است؟

متأسفانه، واقعیت این است که دولت هیچ حمایتی از صادرات و بخش خصوصی و حتی بخش دولتی به عمل نمی‌آورد و اقتصاد و اجتماع را رها کرده و فقط به بخش سیاست چسبیده است که آن هم اصرار بر دوستی با آمریکا و چند کشور اروپایی است که واقعاً مشخص نیست چه نفعی برای دولت و مردم دارد؟! آیا دولت همچنان به دنبال شعار انتخاباتی خود، یعنی مذاکره است؟ با مذاکره آمده و می‌خواهد با مذاکره برود؟ با پوزش باید گفت، کارنامه اقتصادی آقای روحانی یک نکته مثبت ندارد که قابل ذکر باشد! آقای روحانی از اول با حاشیه‌سازی روی کار آمد و سپس همه مشکلات و اشتباهات را به گردن دولت قبلی انداخت و الان هم به گردن آمریکا و اروپا... می‌اندازد.

در حالی که تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد مشکلات ناشی از تحریم‌هاست و مابقی مشکلات درونی و ناشی از بی‌تدبیری‌های تیم اقتصادی آقای روحانی است، تیمی که از همان ابتدای روی کار آمدن با آمارسازی سر مردم را با موضوعاتی چون کاهش تورم گرم کرد و هیچ کار مثبتی انجام نداد، حتی نکات مثبت دولت قبلی را نیز از بین برد. به هر حال، در هر دولتی یک‌سری کارهای خوب در کنار ایرادات و نقایصی که وجود دارد انجام می‌شود، اما متأسفانه دولت یازدهم و دوازدهم کارهای خوب انجام شده گذشته را نیز از بین برد.

بزرگ‌ترین نقد اقتصادی به دولت چیست؟

موضوع فراتر از نقد است. من می‌گویم دولت تنها رویه دخالت در اقتصاد را پیش گرفت و همان ۱۳ درصد سهم بخش خصوصی را هم کلاً از بین برد. در عین حال رونق اقتصادی نیز در بخش دولتی رقم نخورد. آقای روحانی دور کشور را حصار کشید و روز به روز اقتصاد را در انزوا قرار داد. متأسفانه، با اینکه بسیاری از اقتصاددانان به آقای روحانی و آقای جهانگیری نامه نوشته‌اند و طرح‌هایی برای خروج از رکود به دولت ارائه داده‌اند و به این نکته اشاره کرده‌اند که می‌توان کشور را ظرف شش تا هشت ماه از رکود خارج کرد؛ اما متأسفانه تمام آن طرح‌ها به حاشیه رفته و هیچکدام اجرایی نشده است.

در واقع، آقای روحانی عده‌ای را به نام اقتصاددان دور خود جمع کرده و کار خود را می‌کند و رویه‌های اشتباه را دنبال می‌کند. اصلاحاتی که بارها آقای نهایندیان و سایرین گفتند اتفاق نیفتاد و نیمه‌کاره رها شد، بنابراین نکته مثبتی در کارنامه آقای روحانی دیده نمی‌شود. اگرچه امیدوارم ایشان در یک سال باقی‌مانده سیاست‌های خود را تغییر دهند و بپذیرند تکیه کردن به آمریکا درست نیست، با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشور و تغییر در تیم اقتصادی دولت می‌توان تحولاتی در اقتصاد کشور ایجاد کرد.



مراحل دفاع حضرت زهرا(س) از ولی خدا

گفتاری از **حجت الاسلام و المسلمین ماندگاری**



قبر حمزه سیدالشهداء گریه می‌کرد؟ می‌خواهد جایی گریه کند که از او سؤال کنند، از اینکه چرا دختر پیامبر (ص) علنی گریه می‌کند؟ تا دختر پیامبر (ص) در جواب بگوید، ولی خدا مظلوم است. در چهارمین مرحله، حضرت فاطمه(س) از ولایت دفاع کرد که خطبه فدکیه، خطبه فلسفه احکام و خطبه‌ای که در مقابل عیادت کنندگان حضرت(س) بیان فرمودند، نمونه‌هایی از این دفاع است. در پنجمین مرتبه دفاع با جان بود، در واقعه مدینه امیر المؤمنین(ع) می‌توانست پشت در بیاید، ولی به امیر المؤمنین(ع) فرمود: اجازه دهید من بروم، بگویم فاطمه دختر رسول‌الله هستم.

کس امروز اعتبار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... دارد، باید با اعتبارش دفاع کند. حضرت زهرا(س) چهل شب همراه حضرت علی(ع) در خانه مهاجر و انصار رفت، وقتی صاحب‌خانه می‌پرسید: چه‌کسی پشت در هست؟ فاطمه زهرا(س) می‌گفت: علی جان تو چیزی نگو، اجازه بده من بگویم، به اعتبار صدای دختر پیامبر(ص) در باز کنند. در را که باز می کردند تا می‌دیدند فاطمه(س) همراه علی(ع) هست. در مرحله سوم حضرت با گریه اعتراض‌آمیز از ولی خدا دفاع کرد. چرا حضرت می‌رفت بیت‌الاحزان گریه می‌کرد؟ چرا اُحد کنار

در دفاع اول وقتی ارثیه‌ای از پیامبر گرامی اسلام(ص) به حضرت زهرا(س) رسید و چقدر زیبا مقابل این شبیه ایستاد که پیغمبر آن هیچ ارثیه‌ای برای کسی نمی‌گذارند، فاطمه با آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» استدلال کرد. حضرت زهرا(س) قشنگ توضیح دادند که انبیاء، امامان و مراجع دودسته اموال دارند: یک اموال برای شخصیت آنهاست و یک اموال برای شخص آنها. همچنان‌که شتر، شمشیر، عمامه و انگشتر پیامبر به ارث رسید؛ ولی نبوت پیامبر (ص) به ارث نمی‌رسد. در دفاع دوم، حضرت زهرا(س) از اعتبارش پیش پیامبر(ص) خرج کرد. هر

عالم شدن با پیروی از بزرگ‌ترین عالمه

نگاهی به جایگاه و مقام حضرت زهرا(سلام‌الله علیها)

و آنچه نبوده را تا روز قیامت و هنگام رستاخیز... ای ابالحسن، بدان که خداوند تعالی خلق کرد نور مرا و آن نور، تسبیح خداوند جلّ جلاله را می‌گفت، پس خداوند آن نور را در یکی از درختان بهشت به ودیعه گذاشت و آن درخت (برای اهل بهشت) نورافشانی نمود و چون پدرم داخل بهشت شد خداوند تعالی به او وحی فرمود: جدا کن میوه این درخت را و آن را در دهان خود گذار. پس پدرم چنین نمود. آنگاه خداوند سبحان مرا در صلب پدرم (ص) به ودیعه گذاشت... من از چنین نوری می‌باشم و به همین علت است که عالم هستم به گذشته و آینده و آنچه نیامده است. در اینجا حضرت فاطمه(س) عرض کردند: ای ابالحسن، مؤمن به واسطه نور خداوند تعالی می‌نگرد.»

در کتاب علل الشرایع با چند واسطه از یزید بن‌عبدالملک از حضرت امام محمدباقر(ع) نقل شده است: «هنگامی که فاطمه‌زهرا(سلام‌الله علیها) متولد شد خدای تعالی به یکی از ملائکه وحی کرد تا کلمه فاطمه را به زبان پیامبر اکرم(ص) نهاد، لذا آن بزرگوار نام ایشان را فاطمه نهاد و به او فرمود: من تو را با علم و دانش قرین نمودم.» مرحوم علامه می‌فرماید: «در اینجا کلمه «فطم‌تک» یعنی خداوند خط‌ساب به حضرت زهرا(س) می‌فرماید: من تو را شیر دادم به علم، یعنی از علم تو را بی‌نیاز نمودم، (اِنا فطمتک عن الطمث) در آنجا «فطم» به معنی «قطع کردن» می‌باشد، یعنی من تو را از جهل و نادانی جدا و قطع نمودم. و اینکه در این روایت شیر دادن و علم در کنار یکدیگر آمده به این معناست که یعنی خداوند می‌فرماید: آن بزرگوار از آغاز خلقت فطری مقدّسش، عالم به علوم ربانیه بوده و بنا بر هر دو معنایی که شد در اینجا فاعل (که فاطم است) به معنی مفعول آمده، یعنی جداکننده، به معنی جدا شونده آمده. پس معنای این جمله این است که من تو را قطع‌کننده مردم از جهل نمودم (برای کسانی

که به سمت تو می‌آیند) و یا این‌گونه معنی می‌شود که چون خداوند او را از جهل و نادانی جدا نمود، پس مردم هم از او جدا می‌شوند، یعنی نمی‌توانند او را درک کنند (برای کسانی که به سمت او نمی‌آیند).»

پس فصل جدایی مؤمن و غیر مؤمن، عالم و غیر عالم، پاک و ناپاک، با فاطمه(س) بودن یا نبودن است. آنان که با این بانوی گرامی باشند، از جهل و نادانی دور می‌شوند و آنان که با ایشان دشمنی می‌کنند به سمت جهل و نادانی می‌روند و همین عامل سبب دشمنی با این بانوی بزرگ می‌شود. به عبارتی آن دسته از کسانی که به قدر و منزلت ایشان پی نمی‌برند و نمی‌توانند ایشان را بشناسند، از او جدا می‌شوند و با او دشمنی می‌کنند. چه آنکه امام علی(ع) فرمودند: «الْأَنَسُ أَغْدَاؤُ مَا جَهِلُوا.»؛ مردم دشمن چیزی هستند که نمی‌دانند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۲)

انسان‌های جاهل به دلیل جهل‌شان دچار سردرگمی و گاهی تکبر می‌شوند. آنها در برابر دانستن و آگاه شدن مقاومت می‌کنند. همچنین این ناآگاهی موجب می‌شود آنان به قضاوت و تحلیل نادرست دست بزنند و آن را ملاک ارزشمندی دیگران قرار دهند. در مقابل آنان که برای عالم و آگاه شدن به ذوات مقدسه روی می‌آورند، به دریای بی‌انتهای علم دست پیدا می‌کنند و هر چه می‌توانند از آن بهره می‌برند. امیرمؤمنان علی(ع) در حدیث دیگری در همین زمینه می‌فرمایند: «با آنچه نمی‌دانید دشمنی نکنید، زیرا بیشتر دانش‌ها در اموری است که شما نمی‌دانید.» مرحوم اربلی نیز در کتاب کشف الغمه از ایشان نقل کرده است: «کسی که چیزی را نمی‌داند آن را نکوهش می‌کند.» شیخ صدوق در کتاب امالی از پیامبر(ص) نقل می‌کند: «... هنگامی که حضرت فاطمه(س) مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می‌ایستند نور او برای ملائکه آسمان، نظیر نور

ستارگان از برای اهل زمین می‌درخشد. خدای رسّوف به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من، به فاطمه که بزرگ‌ترین بندگان من است نظر کنید چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضا و جوارح او از خوف من می‌لرزد. حضرت فاطمه(سلام‌الله علیها) با توجّه قلبی مشغول عبادت من شده است. من شما را شاهد می‌گیرم که شیعیان وی را از آتش در امان می‌گذارم... سپس پیامبر خدا(ص) فرمود: وقتی که در میان عبادت درد و رنج به وجود آمده پس از من بر او غلبه می‌کند. در همین موقع است که خدای رتوف ملائکه را مونس حضرت فاطمه(س) قرار می‌دهد. ملائکه فاطمه را به همان ندایی، ندا می‌کنند که حضرت مریم را ندا کردند و به ایشان می‌گویند: ای فاطمه، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است. ای فاطمه، برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان رکوع کن. سپس درد و مرض بر او غلبه خواهد کرد. آنگاه خدای سبحان حضرت مریم را می‌فرستد تا پرستار و مونس حضرت فاطمه‌اطهر(س) باشد. در همین موقع است که حضرت زهرا(س) عرض می‌کند: پروردگارا، من از زندگی سیر شده و از مردم دنیا بیزارم، مرا به پدرم ملحق نما. خدای توانا او را به من ملحق می‌نماید، او اولین کسی است از اهل بیت که به من ملحق خواهد شد. فاطمه(س) در حالی‌که محزون، غصه‌دار، مغموم، با حق غصب‌شده و شهیده شده‌باشد، بر من وارد خواهد شد. من در آن موقع می‌گویم: بار خدایا، هر کسی که به فاطمه ظلم کرده را لعنت کن! آن کسی که حق زهرا را غصب نموده باشد عقاب و عذاب کن، آن کسی که فاطمه را ذلیل کرده باشد ذلیل کن، آن کسی که ضربه به پهلوی فاطمه زد تا فرزند خود را سقط نمود، در دوزخ جاودانی کن. ملائکه خود را این هنگام می‌گویند: آمین.»



سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه دین

خداوند در قرآن علت خلقت را بیان می‌فرماید و می‌گوید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادُونَ» (ذاریات/۵۶) علت خلقت انسان و جن این بوده است که خداوند را بشناسند و عبادت کنند. اما این شناخت که سبب می‌شود انسان خداوند را عبادت کند و در برابر او سر به سجده بگذارد، چیست؟ در این باره امام صادق(ع) می‌فرماید: «حضرت حسین‌بن‌علی(ع) از جمع یاران‌شان بیرون آمدند و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم، خداوند بندگان را نیافریده است مگر آنکه او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند، عبادتش کنند و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی‌نیاز می‌گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا، پدر و مادر به فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود: آن است که اهل هر عصر و زمان، امامی که اطاعتش بر آنها واجب است را بشناسند.»

از این‌رو شناخت امام معصومی که در زمان او زندگی می‌کنیم و شناخت دیگر ائمه(ع)، به ما کمک می‌کند خداوند را بشناسیم و او را عبادت کنیم. مؤمنان با نوری که در وجود خود دارند و با تکیه به علوم اهل بیت(ع) می‌توانند خداوند را بشناسند. خداوند برای انسان‌ها به هیچ چیز بیشتر از آگاهی و علم تأکید نداشته است. هر قدمی که مؤمن به سوی خداوند برمی‌دارد به واسطه علم، معرفت و شناخت است. در این باره نیز ابن حدیث در ترجمه بحارالانوار، ج ۴۳، ح ۱۱ آمده است: «روزی امیرالمؤمنین(ع) وارد خانه شد، حضرت زهرا(س) به ایشان عرض کرد: پیش آی تا برای تو بگویم از آنچه واقع شده و آنچه واقع شود

دین

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

صداقت

فلسفه ابتلائات الهی



محمد عینی زاده موحد

دکترای تفسیر تطبیقی قرآن

هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود و او به طور کامل از عهده آنها برآمد، خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» ابراهیم گفت: «از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد.» (بقره/۱۲۴)

ابتلا به معنای ایجاد تحول و دگرگونی و تغییر دادن شرایط عادی است. ابتلای الهی برای رسیدن به یک هدف یا نتیجه صورت می‌گیرد؛ این هدف می‌تواند خودشناسی انسان باشد و بداند چقدر توانایی دارد و آیا ادعایش درست است یا نه؛ یا دیگران او را بشناسند و دریابند آیا این فرد که خود را این گونه معرفی می‌کند، چنین است یا نه. ابتلا می‌تواند برای رشد انسان نیز باشد؛ چون مقابله با سختی‌ها تمرینی برای قوی‌تر شدن و رشد انسان است. به همین جهت ابتلا بسا واژه «رب» تناسب دارد؛ زیرا رب یا ربوبیت نیز به معنای ایجاد تحول، به صورت تدریجی و مرحله‌ای، برای رساندن انسان به رشد است.

تربیت را ابتلا انجام می‌دهد؛ یعنی پروردگار انسان را به این صورت تربیت می‌کند که با ابتلا کم‌کم نقص‌های او رفع شود و به سمت کمال حرکت کند. خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره فجر می‌فرماید: اما انسان (کم‌ظرف ضعیف بی‌صبر) چون خدا او را برای آزمایش و امتحان کرامت و نعمتی بخشد در آن حال (مغرور ناز و نعمت شود و) گوید: خدا مرا عزیز و گرامی داشت.

یک نوع از ابتلائات، ابتلا به اکرام است؛ یعنی خداوند کسی را گرامی می‌دارد و به او نعمت فراوان می‌دهد و هنگامی‌که‌شخص تغییر بزرگی را در زندگی خود می‌بیند، احساس می‌کند خدا او را گرامی داشته و به او نعمت داده است. در واقع همین طور است؛ خداوند او را گرامی داشته و به او نعمت داده است؛ اما این نعمت ابتلاست و او برای حرکت به سمت رشد در این شرایط قرار گرفته است و هرگز نباید به جای اینکه از تغییر شرایط و ابتلا برای رشد استفاده کند، بگوید خداوند به من لطف کرده است و باید با استفاده از این مال فقط در رفاه زندگی خویش بگوشم و دیگران را فراموش کند؛ زیرا خداوند نیازهای دیگران را در اموال متعین قرار داده است؛ اگر چنین کند، ابتلا به جای اینکه مایه رشد او شود، مایه سقوط او می‌شود.

گاهی خداوند بسا تنگ کردن روزی انسان را آزمایش می‌کند؛ ولی انسان متوجه نمی‌شود این سختی برای ایجاد تحولی در او به سمت مقاومت، صبر و رشد است، بلکه فکر می‌کند دلیل آن این است که خداوند او را دوست ندارد و به او اهانت کرده است، در آیه ۱۶ فجر آمده است: و چون او را باز برای آزمودن تنگ‌روزی کند (دل‌تنگ و غمین نشود و) گوید: خدا مرا خوار گردانید. در حالی که اشتباه می‌کند. در این‌ن حالت نیز ابتلا به جای اینکه موجب رشد او شود موجب سقوط او می‌شود.

تقویم انقلاب

شوک به استکبار

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

در روند سقوط رژیم پهلوی، شاه ایران در روزهای آخر سلطنت با مشکل ریزش نخست‌وزیران مواجه شده بود و هیچ یک از رجال سیاسی حاضر به پذیرش پست نخست‌وزیری او نبودند. تنها چهره‌ای که به این امر تن داد شاهپور بختیار، یکی از اعضای جبهه ملی دوران نخست‌وزیری محمد مصدق بود. او نخست‌وزیری شاه را پذیرفت و شاه هم شرایط او را قبول کرد، حتی حاضر شد ایران را ترک کند. موقعیت دولت بختیار بسیار ضعیف و متزلزل بود. به منظور تقویت آن جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا ژنرال هایزر را که در آن ایام قائم مقام ناتو بود به ایران فرستاد و مأموریت ویژه و مخفیانه‌ای به او داد. برای ژنرال هایزر مأموریت‌های متعددی تعریف شده بود که یکی از مهم‌ترین آنها سامان دادن و هماهنگی دو گروه سیاسیون و نظامیان بود. گروه سیاسیون با محوریت بختیار در موقعیت نخست‌وزیر به همراه شورای سلطنت بود. گروه نظامیان با محوریت قرباغی، رئیس ستاد بزرگ ارتش‌داران وقت بود که فرماندهان نیروهای هوایی، زمینی، دریایی، هوانیروز و سایر فرماندهان ارشد و سران ارتش را شامل می‌شد.

ژنرال هایزر در خاطر ارتش در این باره می‌گوید: «دستور این بود: برای واشنگتن حیاتی است که در ایران یک دولت قوی و پابایت و در عین حال دوست آمریکا (به رهبری بختیار) برقرار گردد و نظامی‌ها از آن کاملاً حمایت کنند.» در واقع انتلافی بین این مجموعه ایجاد کند. یک از مهم‌ترین مشکلات این دو گروه مسئله بازگشت امام خمینی (ره) به ایران بود. اما امام خمینی (ره) بسیار هوشمندانه دریافته بودند توطئه‌ای در کار است و می‌فرمودند: «من به ایران خواهم رفت و اگر بنا باشد خون من بریزد، در پیش رفقای خودم و همراه جوان‌های ایران بریزد. ما از این هیچ باکی نداریم و سرافرازی اسلام و ایران را می‌خواهیم.» علی‌رغم تهدیدها، کارشکنی‌ها و ایجاد موانع متعدد، امام خمینی (ره) به سلامت و با صلابت و اقتدار به ایران مراجعت نمودند و مورد استقبال بی‌نظیر در تاریخ ایران قرار گرفتند؛ در حالی که حالیکه رژیم شاه و ارتش حکومت نظامی اعلام کرده بودند. در فضای فرودگاه و هنگام سخنرانی امام در فرودگاه مهرآباد و نیز در مسیر فرودگاه تا بهشت‌زهر، همراهی مردم و جوانان گرد اتومبیل حامل امام پروانه‌وار بود، سخنرانی امام در بهشت زهرا برای رژیم شاه، نخست‌وزیر بختیار، گروه نظامیان، آمریکایی‌ها و... بسیار شکننده بود.

پس از این سخنرانی ژنرال هایزر تصمیم گرفت مستشاران آمریکایی را گروه گروه از ایران خارج کند و خود او هم مجبور شد در روز ۱۴ بهمن ایران را ترک کند. او درباره علل ترک ایران گفت: «حضور من موجب افزایش احساسات ضد آمریکایی می‌شود.» و درباره سخنان امام خمینی (ره) آورده است: «اگر چه آیت‌الله اسم هیچ کشور یا شخصی را نبرد، اما کار خودش را کرد.»

حسین معینی

کارشناس تاریخ

یکی از جریان‌های سیاسی کشور که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جریان خط امام و ملت فاصله گرفت و فرجام‌کارش به رویارویی با انقلاب اسلامی انجامید، «نهیض آزادی» بود. نهضت آزادی مجموعه‌ای جدا شده از «جبهه ملی» بود که آن را در سال ۱۳۴۰ مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی که در ارتباط نزدیکی با آیت‌الله طالقانی بودند، شکل دادند و محور اندیشه خود را بر «ایرانی بودن»، «مسلمان بودن»، «مصدقی بودن» و «تابع قانون اساسی بودن» گذاشتند. آیت‌الله شهید بهشتی درباره «نهیض آزادی» و ماجرای شکل‌گیری آن می‌گوید: «وقتی که نهضت آزادی تشکیل شد با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و وقتی در اساس‌نامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام عیار یاد نشده بود به دوستان بنیانگذار نهضت آزادی انتقاد کردم و گفتم که این حزب مکتبی نیست، اسمش را هم گذاشته‌اید نهضت آزادی، آزادی که همه اسلام نیست، از مسائل مهم بشری است و از ارکان اسلام، ولی همه اسلام نیست. دوستان گفتند: برای اینکه ما می‌خواستیم آت‌هایی که روی عنوان اسلام آلرژی دارند از این تشکیلات فرار نکنند، ولی حقیقتش اینکه قصد فقط اسلام نبود. قصد این بود که مرانامه نشان می‌داد که یک عده مسلمان آمده‌اند یک حزب درست کرده‌اند، اما در این تشکیلات سیاسی، اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عیار مطرح نکرده‌اند.»

ایسن زاویه فکری نهضت آزادی با اسلام ناب محمدی (ص) که برخی افراد تیزبین، چون آیت‌الله بهشتی و استاد شهید مرتضی مطهری تشخیص داده بودند، همان عاملی بود که به جدایی نهضت از خط امام (ره) منجر شد.

یکی از مهم‌ترین علل اصلی انحراف نهضت آزادی را باید شناخت تکافی این گروه از اسلام و ارائه تفاسیر انحرافی از آیات و روایات دانست. این گروه بدون آنکه با اسلام‌شناسان حقیقی- که به متون و آموزه‌های دینی اشراف کامل داشتند- ارتباط کاملی داشته باشند، به تفاسیر و قرائت مهندس بازرگان و سحابی قناعت کرده و ایشان را به منزله ایدئولوگ خود پذیرفتند. رُست روشنفکر مآبانه اعضای این جریان و تأثیر‌پذیری از مکاتب غربی

دهلیز

مروری بر چگونگی ورود حضرت امام(ره) به فرانسه

اولین شب پاریس

مهدی دنگچی

پژوهشگر تاریخ

سفر حضرت امام در پاییز ۱۳۵۷ به پاریس در حالی انجام شد که دیگر امکان ماندن ایشان در عراق وجود نداشت. ایشان پس از مشورت با اطرافیان تصمیم گرفتند فرانسه را که مدعی آزادی بود برای مقصد خود برگزینند. افرادی چون ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب‌زاده، ابراهیم یزدی و... .

کتاب «الف لام خمینی» نوشته «هدایت‌الله بهبودی» که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی آن را منتشر کرده‌است، حاوی خاطرات شنیدنی در این زمینه است. در بخشی از این اثر آمده است:

«صادق قطب‌زاده پیش از نشستن هواپیما در پاریس با مراجعه به پلیس خواسته بود چند مأمور برای محافظت از آیت‌الله در اختیارش بگذارند. پنج پلیس را بسا او روانه کرده بودند. ابوالحسن بنی‌صدر پی‌جوی کاشانه‌ای برای اقامت امام بود. او خانه احمد غضنفرپور را مناسب دید. غضنفرپور و همسرش، سودابه سدیفی، بی‌فرزند بودند. پذیرفتند که به خانه بنی‌صدر، در آن نزدیکی، رفته، کاشانه‌شان را در اختیار امام خمینی و همراهانش بگذارند. هواپیما ساعت ۱۶:۵۰ به وقت تهران در فرودگاه اورلی

تأویل‌های جاهلانه

مروری گذرا بر انحرافات اعتقادی - سیاسی نهضت آزادی



ممکن است بشنوند، از ضرر گروهک‌های دیگر، حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است. «نهیض آزادی» و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی‌الموالی امیر المؤمنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را نعوذباللّه تخطئه، بلکه مرتد بدانند! و یا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است.»(۱۳۶۶/۱۱/۳۰) بر خلاف ضرورت اسلامی ملت ایران را فراهم آورد، تعلق خاطر و شیفتگی بود که سران آن به مکاتب سیاسی غرب داشتند. این تعلقات هم زمینه همگرایی فکری با لیبرالیسم ودموکراسی را فراهم آورد و هم موجب تعلق خاطر به منظور گسترش ارتباطات سیاسی با کشورهای غربی شد. سیاست گرایش به غرب را می‌توان در عملکرد دولت موقت به خوبی مشاهده کرد و تلاشی که دستگاه خارجه وقت برای نزدیکی به بلوک غرب داشت. جمله معروف بازرگان که در واکنش به بیانات حضرت امام (ره) گفته بود: «اگر آمریکا شیطان بزرگ است، شوروی شیطان اکبر است» تنها نمونه‌ای از این موضع‌گیری‌ها به نفع غرب است.

حافظه

مروری بر عملکرد ژنرال «بدل بوکاسا»؛ دیکتاتور آفریقایی

آدم‌خوار آفریقای جنوبی

محمد گنجی

محقق تاریخ

استقلال کشورهای آفریقایی پس از جنگ جهانی دوم، هر چند از خروج اروپاییان استعمارگر از این سرزمین و فرارسیدن آزادی و استقلال خبر می‌داد، اما استعمارگران به این سادگی حاضر به خروج از مستعمرات و چشم پوشیدن از این منابع عظیم ثروت نبودند؛ از این‌رو با خرج ظاهری آنان تازه زمان آشکار شدن آثار سوء ده‌ها سال استعمارگری فرا رسیده بود. از جمله این معضلات به قدرت رسیدن دیکتاتورهایی بود که با حمایت استعمارگران به قدرت رسیدند و کشور را غیر مستقیم در خدمت استعمارگران قرار دادند. نمونه‌ای از ایسن ماجرا را می‌توان در آفریقای مرکزی مشاهده کرد. «آفریقای مرکزی» از جمله کشورهای آفریقایی است که در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را از فرانسه به دست آورد.

ژنرال «بدل بوکاسا» امپراتور این کشور بود که در سال ۱۹۶۶ با کودتا علیه «دیوید داکو» پسر عموی خود، قدرت را در آفریقای مرکزی به دست گرفت. بوکاسادبیر کلی حزب واحد کشورش، وزیر دادگستری، دفاع خدمات غیر نظامی، بیمه‌های اجتماعی و خلاصه ۱۴ وزارت از ۱۶ وزارت کشور را در آن واحد بر عهده داشت و در سال

۱۹۷۶ اعلام کرد به اسلام گرویده است. دیگر مقامات کشور نیز به وی تاسی جستند و کشور رسماً اسلامی شد. «قذافی» رهبر لیبی و شیوخ عرب خلیج فارس میلیون دلار به‌وی هدیه کردند؛ اما وی پس از جمع‌آوری پول مورد نظر خود، از اسلام برگشت و دوباره مسیحی کاتولیک شد و کلیه مقامات نیز از وی پیروی کردند! او سپس نام کشور را از جمهوری آفریقای مرکزی به امپراتوری آفریقای مرکزی تبدیل کرد و سال بعد خود را امپراتور بوکاسای اول نامید و پول‌های اهدایی کشورهای عرب را صرف مراسم تاج‌گذاری بسیار پرهزینه خود کرد!بوکاسا سرانجام در سپتامبر ۱۹۷۹ زمانی که در لیبی به سر می‌برد در یک کودتای نظامی از قدرت برکنار شد. بوکاسا به «قصاب» آفریقای مرکزی مشهور شده است. از جمله کسانی که در جلسات محاکمه بوکاسا برای شهادت علیه وی شرکت کرده بودند، آئیزر و خدمتکار قصر وی بود. «فیلیپ لینگرنیسا» آئیزر بوکاسا در دادگاه گفته بود به دستور بوکاسا بیشتر مواقع گوشت مورد نیاز غذای امپراتور را از داخل فریزر شخصی وی که حاوی گوشت بدن و پای زنان مجرم و اعدام شده بوده، تأمین می‌کرده است. بوکاسا معتقد بود، دون شان یک امپراتور است که از گوشت حیوانات تناول کند! وی سرانجام در ۵ نوامبر ۱۹۹۶ در ۷۵ سالگی درگذشت.

دست قدرت الهی

نگاهی به پیوند «عرفان» و «سیاست» در اندیشه رهبر حکیم انقلاب



حمزه عالمی

دکتری اندیشه سیاسی



در حالی که مناقشات مربوط به پیوند عرفان و سیاست و احتیاط جدی برخی عرفا برای ورود به مسائل اجتماعی، همچنان مسئله زنده‌ای در جهان اسلام بود، این مسئله در اندیشه و سیره حضرت امام خمینی(ره) پاسخی عملی یافت. امام خمینی(ره) اعتقاد داشتند: «در «سیر الی الله» لازم نیست انسان گوشه‌ای بنشیند و بگوید من «سیر الی الله» می‌خواهم بکنم. خیر، «سیر الی الله» همان طوری [است] که سیره انبیا و خصوصاً پیامبر اسلام [بود] و کسانی که مربوط به او بودند؛ در عین حالی که در جنگ وارد می‌شدند، آدم می‌کشتند، کشته می‌دادند، حکومت داشتند، همه چیز داشتند، همه‌اش «سیر الی الله» بود.»

(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۷۴-۱۷۳)

ایشان پیوند عرفان و سیاست را با تأسیس حکومت دینی به منصف ظهور رسانیدند و پس از ایشان هم در رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای تداوم یافت. پیوند عرفان و سیاست در اندیشه و سیره آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب را می‌توان در معنای گسترش دامنه زهد و تقوا به حوزه سیاست، اجتماع و اقتصاد تعریف کرد که در بیانات گوناگونی بر آن تأکید کرده‌اند.

(ر.ک: بیانات معظم‌له در دیدار با اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۷/۵/۵)

در این میان، خطبه‌های رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه اخیر (۱۳۹۸/۱۰/۲۷) و استفاده از مفهوم «ایام‌الله» برای تشریح عظمت مراسم تشییع پیکر سردار شهید سلیمانی و همچنین حمله موشکی سپاه به پایگاه آمریکا در عراق، یکی از موقعیت‌های روشنی است که می‌توان چگونگی پیوند عرفان و سیاست را در اندیشه رهبر معظم انقلاب از آن استنباط کرد.

۱

رهبر معظم انقلاب در این بیانات، همانند بسیاری از مواقع، از منظر جهان‌بینی دینی-عرفانی به مسائل و رخدادها می‌نگرند، به این معنا که به تجلی و حضور خداوند در جای جای عالم خلقت باور دارند و حضور مردم ایران در مراسم تشییع پیکر شهید سلیمانی و حمله موشکی سپاه به پایگاه آمریکایی را جزء ایام‌الله دانستند،

فراز و فرود مهدی کروی - ۴

تقابل تمام‌عیار!

از دبیر کل حزب اعتماد ملی در انتخابات دهم تعبیر شد.^۱

از موارد تخلفات آقای کروی که سرسته مانده، بحث دریافت پول از شهرام جزایری در زمان ریاست مجلس ششم است. جزایری در گفت‌وگو با هفته‌نامه «پنجره» مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۰ گفت: «قریب به ۱۴ میلیارد تومان به کروی و افرادی که او معرفی می‌کرده، پول داده است.» پیش از برگزاری انتخابات، موسوی و کروی بناً این مطلب را به مردم القا می‌کردند که قرار است در انتخابات قلب شود تا به این ترتیب بتوانند اذهان عمومی را آماده کنند. پس از شکست در انتخابات در بیانیه‌ای رسمی که در سایتش منتشر شد، ادعای تخلف در امانت را مطرح کرد. بعدازظهر ۲۴ خرداد، کروی به همراه خاتمی و موسوی و به صورت غیر منتظره نشست خبری خود را لغو و در منزل هاشمی حضور پیدا کردند. در این جلسه برای چگونگی ادامه اعتراضات و کشاندن هواداران افراطی به خیابان‌های تهران برنامهریزی شد. با شروع اغتشاشات، کروی ادعایی را درباره تجاوز به زندانیان مطرح کرد که بعد از تحقیق و ردّ این ادعا از حرف خود برگشت! برنامه اول این بود که نتیجه را به نفع موسوی تغییر دهند و اگر این اتفاق نیفتاد، کل انتخابات را باطل کنند. مهدی کروی پس از شکست در انتخابات بارها با همکاری رسانه‌های ضد انقلاب ادعاهای دروغ خود را در سطح جهان منتشر کرد و سبب بدبینی جهانیان به دولت ایران اسلامی شد تا اینکه سرانجام بعد از ۹ دی سال ۱۳۸۸ به دستور شورای عالی امنیت ملی در حصر خانگی قرار گرفت.

پرنوشت‌ها:

۱-روزنامه ایران. ۱۳۸۸/۳/۵ هزینه‌های انتخاباتی کروی از چه راهی تأمین می‌شود؟

شکل‌گیری اینها را به واسطه دست قدرت الهی عنوان کردند؛ یعنی دست قدرت الهی اراده مردم و رزمندگان سپاه پاسداران را به حرکت درآورده است؛ اما این زمانی محقق می‌شود که صبر، شکر و مسئولیت‌شناسی با هم جمع شوند.

۲

تجلی قدرت الهی در اراده مردم و رزمندگان اسلام که سبب حرکت و اقدام آنان شده است، به معنای تجلی خداوند در زمان است. اساساً زمان در نزد عارف بزرگی همچون شیخ اکبر، ابن عربی، مسأوی با تجلی خداوند است. به اعتقاد او، آفرینش محصول فیض لحظه به لحظه و دم به دم خداوند در کالبد این جهان است و به مصداق آیه «کلّ يوم هو فی شأن»، اراده الهی هر لحظه در جهان تجلی می‌یابد و این همان تجلی اراده خداوند در زمان است.

با درک این موضوع و یادآوری موضوع صبور بودن و ششکور بودن، می‌توان گفت هر اندازه صبر و شکرگزاری در مقیاس بیشتری از یک جامعه محقق شود، ظرفیت کسب اراده و فیض الهی از سوی آن مردمان و در مقیاس گسترده‌تری فراهم می‌شود و یک حرکت جمعی، یعنی حرکت گسترده‌ای از افرادی که صَبّار، شکور و مسئولیت‌شناس هستند را رقم می‌زند و ایام‌الله تحقق می‌یابد. به این ترتیب، قدرت حاصل تجلی اراده الهی در اراده انسانی است که صبر، شکر و مسئولیت‌شناسی آن را فراهم کرده است و بدین معنا عرفان با سیاست پیوند می‌یابد.

۳

از این حرکت جمعی و گسترده با ویژگی‌های گفته شده، موضوع «حضور در صحنه» حاصل می‌آید. حضور مردم در صحنه کلیدی‌ترین مفهوم سیاست در اندیشه رهبر معظم انقلاب است و از همین منظر ایشان توجه به «آحاد ملت»، «توده» و «رعیت» را مهم می‌دانند و در جایی می‌گویند «پایه دین توده هستند» و اگر برخی این موضوع را به پوپولیسم تعبیر کنند، از نظر معظم‌له پوپولیسم

بدین معنا هیچ اشکالی ندارد و آن «پوپولیسم علوی» است که «مورد تقدیس ما هست،» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت دولت احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۷/۱۷)

این نگاه به حضور مردم البته خالی از توجه معظم‌له به سازوکارهای جدید سیاست‌ورزی، یعنی گروه‌ها و تشکیلات سیاسی مشخص نیست و ایشان هر چند نگاه مثبتی به حزب ندارند و در دیدار با دانشجویان در ماه رمضان امسال (۱۳۹۸/۳/۱) تصریح کردند: «حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمی‌کنم» اما بلافاصله توضیح دادند «کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند؛ یکی از کارها این است.» و سازوکار این نوع سیاست‌ورزی را با تشکیل «کرسی‌های آزاداندیشی»، «گروه‌های علمی»، «گروه‌های نهضتی» و... ممکن دانستند. در مجموع معظم‌له بیش از اینکه به سازوکار حزبی نقد داشته باشند، به روح حاکم بر یک حزب که «ویژه‌خواری سیاسی» و «باشگاه کسب قدرت» است، نقد دارند و خواهان تشکیل گروه‌هایی با روحیه علمی-فرهنگی در حوزه سیاست هستند. از این رو معظم‌له در جایی دیگر می‌گویند: «حزب به معنای کانال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست‌چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی و تربیت کادرهای گوناگون-بسیار خوب است؛ این چیز نامطلوبی نیست.» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

بنابراین مفهوم ایام‌الله، تضمین‌کننده و دلالت‌کننده بر سیاست همراه با معنویت است که در آن مردمان شکور، صبور و مسئولیت‌شناس در گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی حضور دارند که هدفش ویژه‌خواری سیاسی نیست؛ بلکه هدف، بصیرت و شناخت سیاسی و اقدام مخلصانه و ناظر به منافع جامعه اسلامی است و به این صورت سیاست را با عرفان و معنویت پیوند می‌دهد.

آفاق

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی - ۷۷

اصالت فرد و جامعه

اسلامی به نظریه سوم نزدیک است. در مقابل، آزادی نیز حق اساسی هر فرد است که قانون اساسی آنها را به شکل هوشمندانه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده است و تدوین‌کنندگان این قانون خواسته‌اند بین این دو دسته از حقوق تعادلی قائل شوند، هر دو را به رسمیت بشناسند و برای آنها اعتباری مستقل در نظر بگیرند. این امر نشانگر این است که آنان به وجود نوعی استقلال برای فرد و جامعه در مقابل یکدیگر قائل بودند؛ نه مانند فردگرایان و لیبرالیست‌ها به آزادی اصالت داده‌اند و نه مانند سوسیالیست‌ها و جمع‌گرایان به استقلال، امنیت و تمامیت جامعه، بلکه هر دو را در کنار هم دیده‌اند. بنابراین نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز نمی‌تواند فردمحور یا جامعه‌محور باشد، بلکه باید هر دو اصالت داشته باشند. در عمل، احتمال بروز تعارض میان این دو دسته از حقوق وجود دارد. در این صورت حقوق عموم جامعه اولویت پیدا می‌کنند. اختیاراتی که برای امام و رهبر جامعه برشمرده شده است، این امر را نشان می‌دهد. در مشروح مذاکرات ذیل اصل نهم قانون اساسی که در فوق بیان شد این موضوع تصریح شد که اهم فال‌اهم می‌شود، حتی صراحتاً گفته شد، آزادی در مفهوم واقعی‌اش هرگز نمی‌تواند با استقلال تعارض پیدا کند و اقدام علیه استقلال کشور آزادی نیست.^۴

پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.

۱۱

خرد

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

مسابقات

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی
آخوند خراسانی - ۲۷

امنیت‌کامله



فتح‌الله پریشان

پژوهشگر
اندیشه سیاسی

«امنیت» از مفاهیم و مؤلفه‌هایی است که به طور گذرا در اندیشه فقهی-سیاسی آخوند خراسانی مطرح شده است. ایشان به مقوله امنیت هم از جنبه داخلی آن و هم در بعد خارجی توجه کرده است و در این باره می‌نویسد: «امروزه اهتمام در استحکام امنیت عمومی در کلیه بلاد و قاطبه طرق و شوارع هم تکلیف اسلامیة مسلمین است که به وسیله امنیت کامله، استقلال مملکت محفوظ و در سایه امنیت و استقلال مملکت، دین و دنیای مسلمین محفوظ و اساس مشروطیت استوار گردد و چنانچه مخالفت با اساس مشروطیت به منزله محاربه امام زمان(ارواحنا فداه) و با مسلمانی منافی است، همین قسم اقدامات منافیه امنیت کامله همچون موجب تسلط کفر و ذهاب بیضه اسلام است، لهذا مثل محاربه با صاحب شریعت و با مسلمان منافی است. باید عموم مسلمین در حفظ امنیت و عدم تعرض به احدی و حفظ نفوس و اعراض و اموال مسلمین و غیر مسلمین از تبعه خارجه و داخل بذل جهد نموده، بعون الله تعالی و حسن تأییده نگذارند سر مویی بهانه به دست اجانب بیفتد و خدای ناخواسته ممالک اسلامیة از دست برود...»^۱

تأمل در سخنان مذکور نکات چندی را در باره امنیت به ذهن متبادر می‌کند؛ نخست اینکه آخوند خراسانی، به عنوان یکی از رهبران سه‌گانه مشروطه، به امنیت عمومی توجه جدی داشته و استحکام آن را امری واجب دانسته است. نکته دوم، وجوب برقراری امنیت عمومی در پیوند با وجوب مشروطیت معرفی شده و همچون مخالفت با اصل مشروطیت که مورد توجه علمای نجف، به ویژه آخوند خراسانی و علامه نائینی بوده، اقدامات مخل امنیت نیز هم‌سنگ با آن حرام خوانده شده است. بحث سوم پیوندی است که میان امنیت داخلی و خارجی ایجاد کرده است و برآیند این دو، امنیت کامله و استقلال مملکت را می‌سازد و هرگونه اقدام منافی امنیت که موجب سلطه کفر و از بین رفتن اسلام می‌شود، حرام اعلام شده است. بی‌تردید، استادهای آن، قاعده نفی سبیل و حفظ اساس اسلام است که در اسلام در اولویت امور مهمه قرار دارد. نهایت اینکه، امنیت عمومی ابعاد گوناگونی وفق نظر آخوند دارد و شامل امنیت جانی، امنیت مالی، آبرو و حرمت افراد می‌شود و گستره این افراد نیز محدود به اتباع داخلی نیست، بلکه اتباع خارجی ساکن در بلاد اسلامی را نیز در برمی‌گیرد. البته ارتباط امنیت داخلی و خارجی در جهت تحقق کامل امنیت در موارد دیگر نیز مورد توجه آخوند خراسانی قرار گرفته که نامه کوتاهی از وی به عبدالله مازندرانی پس از استعفای محمدعلی شاه قاجار نشان از اهمیت این مقوله نزد وی است: «چون بحمداله ماده فساد، قلع و مقاصد مشروعه ملت حاصل است، بر عموم لازم و واجب است که ممالک را از هرج و مرج امن و منظم داشته، نگذارند مفسدین اخلاص در آسایش نمایند که اسباب تثبث [آشتت و] دخل اجانب گردد...»^۲

امنیت در ممالک اسلامی به قدری برای آخوند مهم بود که فتوای قتال با روس‌ها را صادر کرد و خود آماده عزیمت به ایران بود که به مرگ مشکوک سحرگاه از دار دنیا رحلت کرد.

منابع:

۱- منصور میراحمدی، اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، ص ۱۴۴.

۲- محسن کدکور، سیاست‌نامه خراسانی، ص ۲۳۸.

داستان

مسافر



نَفیسه محمدی
داستان‌نویس

گوشه آشپزخانه و روی صندلی نشستم. خسته شده بودم و کم‌رم حسابی درد می‌کرد. اسباب‌کشی خسته‌ام کرده بود. زیر لب هزارجور بدویبراه نثار شوهرم کردم که زودتر نتوانسته بود خانه را عوض کند و همین دم عیدی من را با اسباب‌کشی بیچاره کرده بود. اسباب‌کشی و تعویض خانه بر ایم غول‌بزرگ بدبختی بود. محبوبه خانم ولی بی‌خیال به کارش ادامه می‌داد. گفتم: «محبوبه خانم خسته نشدی، من که مُردم، اسباب‌کشی آدم‌ومی‌کُشه...!» قاشق چنگال‌ها را مرتب کرد و چید توی جعبه.

– نه خانوم خیالتون راحت! اسباب‌کشی هیچ کسو نمی‌کُشه... خدارو شکر کنین...

لبخند زدم و گفتم: «خب بحث فلسفی شد. بگو ببینم چی آدم‌ومی‌کُشه؟» دست از کار کشید و رفت تا چایی بریزد. زن خوب و مهربانی بود، از سال‌ها پیش ماهی یکی دویار برای کمک می‌آمد و گاهی باهم حرف می‌زدیم و درد دل می‌کردیم. من را یاد مادرم می‌انداخت. صبور و کم‌حرف و کاری بود.

چایی را جلوم گذاشت و گفت: «ناشکری، خانم! ناشکری آدم‌و می‌کُشه... مریض‌ام همینطور، البته که برای اونم شکر کنی، چیزی نمی‌شه...» مریضی را خیلی آرام گفت. نگاهش کردم. نه‌تغیث‌تر از قبل شده بود، کمی هم رنگ‌پریده به نظر می‌رسید. نکند مریض بود؟

– محبوبه خانم! چیزی شده؟ مریضی خدای نکرده...؟

نگذاشت حرفم تمام شود. – مریض که چی بگم؟ آدم یا تو سن می‌ذاره مریض‌اموره‌اش می‌کنن...! حواسم را از وسایل خانه برداشتم و خیره‌خیره نگاهش کردم. چیزی ته دلم لرزید. یاد مادرم افتادم که با سرطان جانش را از دست داده بود. محبوبه خانم را دوست داشتم دلم نمی‌خواست تجربه تلخ از دست دادن را دوباره بیچشم. به چهره‌اش دقیق شدم. چرا متوجه نشده بودم که چشم‌هایش گود افتاده بودند؟

گفتم: «حرف بز ب بینم چی شده نگرانم کردی!»

لبخند زد، سرد و بی‌رمق! – خانم من که نگرانی ندارم. خدارو شکر سر پام. یه کم ناخوشم؛ ولی نه اونقدر، همین که عید امسال می‌تونم بچه‌ها رو ببینم و دور هم باشیم، کلی شکر داره.

دستم لرزید. خودم را کنترل کردم و پرسیدم: «عید امسال چیه بگو تا صدسال دیگه...»

باز هم خندید خنده‌اش مثل قبل نبود، اما عمیق‌تر بود تا ته دل نفوذ می‌کرد. – اون توده بود که گفتم اندازه گردو شده، کلی بهش خندیدیم، دکتر گفت خیلی بزرگ شده باید برم شیمی درمانی... دو جلسه دیگه مونده، بچه‌هام نمی‌دونن، آواره می‌شن به خاطر همین من نگفتم بهشون! تا خدا چی بخواد، ولی بازم شکر، خدا بهم فرصت داد خوب دوروبر مو ببینم، بچه‌هامو، شما رو، همه چیزو... بالاخره آدمیزاد مسافره، به روز میاد یه روز باید بره دیگه... اشک‌هایم بی‌اختیار سر ازیر شدند. محبوبه خانم راست می‌گفت اسباب‌کشی آنقدرها هم سخت نبود که آدم بکُشد.



غروب سلبریتی‌ها

که چندی پیش بیانیه آبان ۱۳۹۸ را منتشر کردند. پس از آنکه دیدند این بیانیه راه به جایی نبرد، مدت‌ها سر در لاک خود فرو برده بودند و حتی در قضیه ترور ناجوانمردانه حاج‌قاسم سلیمانی که جهان را دچار دگرگونی کرد، ساکت ماندند. اما دقیقاً سه روز پس از این اتفاق ستادکل نیروهای مسلح اعلام می‌کند این هواپیما به دلیل خطای انسانی به وسیله پدافند خودی هدف قرار گرفته است. اینجاست که سلبریتی‌ها سر از لاک‌شان بیرون می‌آورند و تلاش‌ها برای ضربه زدن به نظام و کیان ملت ایران آغاز می‌شود. به تجمع دعوت می‌کنند؛ اما این‌بار هم حرف‌های‌شان مورد اقبال مردم قرار نمی‌گیرد و شروع به تاختن علیه سپاه پاسداران و دعوت به آشوب می‌کنند، هر کسی را که حرفی می‌زند تخریب می‌کنند، فرقی هم نمی‌کند کسی که این حرف‌ها را می‌زند یار دیرین‌شان باشد، اما هرکاری می‌کنند نمی‌توانند مردم را با خود همراه کنند.

در ادامه شروع به تحریم جشنواره فجر و البته صدا و سیما می‌کنند، جالب آنجاست کسانی صدا و سیما و جشنواره را تحریم می‌کنند که سال‌هاست هیچ نسبتی با این دو ندارند و باز هم مردم تحت تأثیر بازی‌های سیاسی سلبریتی‌ها قرار نگرفته و تمام بلیت‌های جشنواره فجر در کمتر از یک ساعت به فروش می‌رسد و افرادی که فکر می‌کردند مردم را با خود همراه کرده و جشنواره را از رسمیت خواهند انداخت، انگشت بر دهان می‌مانند و این یعنی روند افول سلبریتی‌ها در جامعه ما آغاز شده است.

نشان می‌دهد برخی همین سلبریتی‌ها برای بازی در یک سریال یا فیلم سینمایی دستمزدهای چند میلیاردی درخواست می‌کنند. البته ریشه این خودبرتربینی را باید در عملکرد برخی از ما مردم و صدا و سیما نیز جست‌وجو کرد که به این جماعت بیش از حد بها داده‌اند و داده‌ایم. امروزه، ردّ پای سلبریتی‌ها در هر جایی که موضوعی حیاتی و ملی مطرح باشد، پیداست؛ یعنی اگر موضوعی برای کشور پیش بیاید که اینان بدانند علیه استقلال و امنیت کشور می‌توانند از آن استفاده کنند، سریعاً وارد شده و شروع به نقش‌آفرینی می‌کنند.

هر چند خوشبختانه باید بگوییم سلبریتی‌ها در جامعه ما کم کم دارند جایگاه‌شان را از دست می‌دهند. در جریان انتخابات‌های اخیر، یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲، مجلس ۱۳۹۴ و ریاست‌جمهوری و شورای شهر ۱۳۹۶ سلبریتی‌ها یک تابلوی مشخص به دست گرفته و به همراه برخی سیاستون تکرار کردند. یک عده‌ای هم که سلبریتی‌ها را موجودات همه‌چیزدان می‌پندارند، به تأسی از آنان رأی دادند؛ اما مجلس تشکیل شده مجلسی ناکارآمد بود که حتی به شفافیت خودش هم رأی منفی داد. درباره انتخاب ریاست‌جمهوری هم همین‌ها پس از مدت کوتاهی شروع به نوشتن ندامت‌نامه‌ها کردند و بسیاری قول دادند در اموری که تخصصی ندارند، اظهار نظر نکنند.

اما باز هم فراموش کردند که دیگر نباید در زمینه موضوعات سیاسی و کلان کشور اظهار نظر کنند

کسانی که در جامعه ما به عنوان پزِشک نمونه یا مهندس، نقاش یا ریاضیدان نمونه مطرح هستند، چنین دنبال‌کننده‌ای در فضای مجازی ندارند. وقتی هم که وارد صفحه شخصی این افراد می‌شویم، می‌بینیم که این قشصر از جامعه که سلبریتی نامیده می‌شوند، در صفحات شخصی‌شان جز نمایشی مبتذل از تجمل‌بسرّی برای دنبال‌کنندگان‌شان به بار نمی‌آورد.

داستان به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه می‌بینیم این افراد همواره کوشیده‌اند در هر موضوعی دهان باز کرده و اظهارنظر کنند. این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد بسیاری از هنرمندان و به ویژه بازیگران حتی تحصیلاتی را در رشته خودشان هم نداشته‌اند. برخی حتی مدرک دیپلم هم ندارند؛ افرادی که با رانت و ضابطه وارد قلاب تلویزیون و سینما شده، برای خود چهره شده‌اند.

اینها همان کسانی هستند که بارها و بارها تلاش کرده‌اند تا مردم را به سمت و سویی خاص ببرند. در برخی از موارد هم موفق شده‌اند مردم را با خود همراه کرده و به نتیجه مطلوب‌شان برسند؛ اما پس از مدتی از کرده خود پشیمان شده‌اند. یکی از این موارد حمایت از حسن روحانی در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ است. هرچند این سلبریتی‌ها نه از روی فهم سیاسی، بلکه برای اغراضی خاص کاندیدای مورد نظر را تبلیغ می‌کردند؛ اما دولت هم سلبریتی جماعت را تافته جدا بافته می‌داند و از گذشته، علاوه بر حمایت‌های مادی فراوان آنها را از پرداخت مالیات معاف می‌کند، اخبار منتشر شده



حمیدرضا حیدری
روزنامه نگار

چندی است جوامع گوناگون دچار پدیده‌ای به نام «سلبریتی» شده‌اند. سلبریتی‌ها در هر جامعه‌ای جایگاه خاص خودشان را دارند. آنها در جوامع توسعه‌یافته توان آن را ندارند که روی پدیده‌های اجتماعی گوناگون تأثیر بگذارند. به این معنا که یک سلبریتی تنها می‌تواند در مسائل خیره‌به‌عام‌المنفعه وارد شود و تنها مسائل فرهنگی پذیرای حضور سلبریتی‌ها در این جوامع هستند؛ اما در کشورهای در حال توسعه سلبریتی‌ها جایگاه دیگری را برای خود دست و پا کرده‌اند. یکی از این جوامع که در سال‌های اخیر به نوعی دچار سلبریتی‌زدگی بوده، کشور خودمان ایران است. روشن است که یا سلبریتی‌ها جایگاه واقعی خود را در جریان‌های مختلف نمی‌دانند یا اینکه مردم کاری کرده‌اند که یک سلبریتی فکر کند بیش از آن چیزی که هست برای جامعه کارکرد دارد. از سویی برخی دولت‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خودشان و برای آنکه جامعه را برای یک اتفاق مهم آماده کنند، به جای آنکه روی نخبگان و فعالان عرصه‌های مزبور سرمایه‌گذاری کنند، به سمت سلبریتی‌ها می‌روند. بیشترین دنبال‌کنندگان صفحات در شبکه‌های اجتماعی مربوط به سلبریتی‌هاست؛ این در حالی است که بسیاری از دانشمندان و نخبگان و حتی

خانه

مهارت فرزندپروری در آینه عمل

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

مهارت تربیت فرزند همواره از اصلی‌ترین دغدغه‌های والدین بوده است، از این رو غالباً پدر و مادرها به دنبال سازوکار تربیتی مناسب برای پرورش نسلی سالم هستند. انبوه اطلاعات فرزندپروری را در منابع مختلف بررسی می‌کنند و گاهی با تردیدهایی مواجه می‌شوند که کدام یک از این روش‌ها ضمانت اجرایی دارند و ضامن تربیتی صحیح و ایده‌آل خواهند بود. اما الگوی مناسب فرزندپروری را باید در سیره بانویی جستجو کرد که با معرفت عمیق، ناب‌ترین و پاک‌ترین نسل تاریخ بشر را تربیت کرده است. به این منظور، برخی از مهم‌ترین اصول روانشناختی فرزندپروری را در آینه مهارت‌های رفتاری این بانوی بی‌همتا مرور می‌کنیم:

حضرت فاطمه(س) با اشraf کامل بر تأثیر وراثت، پیش از هر چیز شایستگی‌های روحی، معنوی و رفتاری خود را تقویت کردند تا این شایستگی و برتری از طریق وراثت به فرزندان منتقل شود و فرزندان پاک و خدایرست از ایشان متولد شوند؛ چنان‌که در زیارت‌فرزندش، امام حسین(ع) شهادت می‌دهیم، تو نوری بودی در صلب مردان بزرگ و رحم‌زنانی پاک. ایشان از واژه‌های زیبا، لطیف و پرمعنا در

برخورد با فرزندان بهره می‌گرفتند و آنها را «قرة عینی» و «ثمره فوادی» صدا می‌زدند؛ یعنی نور چشم و میوه دلم. بانو در محراب عبادت، عاشقانه راز و نیاز می‌کردند و بسا این روش، روح پرستش را در فرزندان خود می‌دیمند. با همسر مهربان بودند و مدارا و مهربانی در محیط خانواده را به فرزندان می‌آموختند. ایشان فضایل اخلاقی را با رفتار به فرزندان منتقل و ردایل را با دوری و اجتناب، از آنها نیز دور می‌کردند.

نمونه عملی این روش مؤثر تربیتی، مادری پاک و بی‌همتااست که با وجود شخصیت والای معنوی، با کودکان خود هم‌بازی می‌شدند و این نیاز مهم دوران کودکی را با مفاهیم عمیق و مهم پیوند می‌زدند. با امام حسن(ع) بازی می‌کردند و برای‌شان شعر می‌خواندند که: شبیه پدرت باش، پسر،م، ریس‌مان از گردن حق باز کن. با امام حسین(ع) بازی می‌کردند و در شعرها از شباهت ایشان به پدر بزرگ می‌گفتند.

بانو اصل تأثیر سلامت روح و روان در تربیت سالم را به خوبی می‌دانستند و همواره در تلاش بودند تا با ایجاد فضای مهیج و شاد فرزندان با روان سالم و روحیه قوی پرورش دهند. برگزاری مسابقات خطاطی و کشتی، اقداماتی در این راستا بودند.

اینها همه قطره‌ای از دریای بی‌کران فضایل بزرگ‌بانوی جهانیان است که باید سرلوحه هر مادر و پدر دلسوزی قرار بگیرد.

راه‌رفته

دو نیروی آرامش‌بخش

مفرط، خشم، سطح انرژی پایین، خواب آلودگی، قدرت کارکرد پایین، گریه بی‌دلیل و رفleks معده، علائم سندرم خیر بد است، اگر چنین نشانه‌هایی دارید، بهتر است خود را سرزنش نکنید و آگاهانه در پی برطرف کردن‌شان باشید.

سبزیجات تازه مصرف کنید. ورزش را فراموش نکنید. با مدد گرفتن از الطاف الهی، برای مردم جهان دعای مثبت کنید.

از جمالات الهام‌بخش و تأکیدی مثبت بیشتر در صحبت‌های روزانه‌تان استفاده کنید، جملاتی همچون «خدا همیشه با من است».

به این آیه زیبا از قرآن باور داشته باشید که: «الا یبه ذکر الله تطمئن القلوب»؛ دل‌ها آرام می‌گیرد با یاد خدا. با صوت قرآن که آرامش روانی عمیقی در شما ایجاد می‌کند، ساعتی از روز را سپری کنید. امید و توکل به قدرت لایتنه‌ای را فراموش نکنید که قدرتی بالاتر از او نیست.

یکی دیگر از راه‌های کسب آرامش، محبت، نیکوکاری و احسان به دیگران است. خداوند به افرادی که موجبات آرامش دیگران را فراهم می‌کنند، آرامش و امنیت دنیا و آخرت را عطا می‌کند.

همکاری با دیگران و کمک مالی-معنوی به آنها در قالب اتفاق و صدقه یکی دیگر از راه‌های کسب آرامش برای شماست.



مدیقه سادات شجاعی
مشاور خانواده

پرسش: چند وقتی است شاهد خبرهای ناگوار هستم. این اخبار دردناک تأثیرات خیلی بدی بر من و اطرافیانم گذاشته است. چطور علی‌رغم ناراحتی می‌توانم به زندگی عادی برگردیم؟

پاسخ: نگرانی و ناراحتی شما قابل درک است و این حال بد مختص شما نیست، ولی اینکه شما به فکر برطرف کردن احساسات منفی و بد خود هستید و دوست دارید از این مرحله به خوبی عبور کنید، بسیار عالی است.

سیر عبور از غم و اندوه و گاهی سوگ پنج مرحله‌است: انکار، خشم، چانه‌زنی، افسردگی و در نهایت پذیرش. طبیعی است که پس از این مراحل مدام در انتظار شنیدن خبر تلخ بمانید و دلهره این اتفاقات با شما همراه باشد؛ ولی نباید این حالات بد اضطراب دائم در شما تبدیل شود. در صورت دلهره یا خشم از اتفاقات پیش آمده، از خدای مهربان کمک بگیرید و با قرائت سوره مبارکه حمد همراه با نفس‌های عمیق، از خشم خود کم کنید. با نوشتن روی کاغذ از واگویه‌های ذهنی خود بکاهید و در نهایت کاغذ را از بین ببرید. بدانید علامتی، چون احساس خستگی

رسانه ملی

مرجعیت‌زدایی

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار

هفته گذشته یک منبع مطلع فاش کرد که رئیس‌جمهورمحترم کشورمان از رئیس سازمان صداوسیما خواستار پخش بدون دخل و تصرف بسته‌های تبلیغاتی و خبری ویژه ای شد که در معاونت ارتباطات ریاست جمهوری تهیه می‌شود. این خواسته اگر چه با مخالفت آقای علی عسگری مواجه شد اما لازم است به نکاتی توجه شود. تحقق این بدعت، در بلند مدت، همه داشته‌های رسانه ملی و حتی سایر رسانه‌های کشور را به تاراج می‌برد و خدشه‌ای بزرگ به اعتماد عمومی وارد خواهد کرد.

به موجب قانون اساسی، بعد از مقام رهبری، رئیس‌جمهوری بالاترین مقام سیاسی در کشور است. به همین مناسبت در طول سال‌های مختلف و حضور رئیس‌جمهورهای گوناگون، رویه سازمان صداوسیما بر این بوده است که به بهترین شکل ممکن سخنرانی‌ها، برنامه‌ها و اخبار مرتبط با رئیس‌جمهور را پوشش داده و در معرض دید مخاطبان قرار دهد.

چه اینکه از لحاظ عناصر حرفه‌ای خبر نیز پرداختن به این موضوع را بدیهی کرده و انتظاری جز این نیز وجود نداشته است. اما مشکل از آنجایی شروع می‌شود که رئیس‌جمهور یا تیم اطلاع‌رسانی مایل هستند تصویر روتوش شده‌ای را به جای تصویر واقعی از رئیس‌جمهور به مردم نمایش دهند.

در حالی که صداوسیما و سایر رسانه‌های دولتی و خصوصی، به لحاظ کسب اعتماد مخاطبان و نیز رعایت اصول حرفه‌ای‌گری موظفند اخبار را بدون دخل و تصرف و بر اساس معیارهای حقیقی به مردم ارائه کنند اگر صداوسیما چنین شیوه ناروایی را پذیرا باشد، در آینده رؤسای سایر قوا و دیگر مسئولان کشور نیز می‌توانند هم چنین درخواستی را مطرح می‌کنند.

دومین مسئله، موضوع اعتماد عمومی به رسانه ملی است. در شرایطی که همواره ادعا می‌شود صداوسیما مرجعیت رسانه‌ای را از دست داده است و مردم به سوی شبکه‌های ماهواره‌ای کشیده‌شده‌اند، آیا این اقدام در جهت بازگرداندن این مرجعیت است یا مخاطب‌زدایی از رسانه ملی؟ به هر روی عموم مردم انتظار دارند دوربین صداوسیما و میکروفن خبرنگاران این سازمان، به سمت بازتاب مشکلات آنها و پاسخ‌جویی از مسئولان باشد.

حال اگر قرار باشد هر مسئولی به «خوب‌نمایی» از خودش مشغول شود و مجالی هم برای حرف مردم باقی نماند، آیا باز هم صداوسیما مرجعیت خواهد داشت؟ سوای اینها، آیا مردم کلیپ‌ها و تصاویر سفارشی را که قرار است از رئیس‌جمهور یا هر مقام مسئول دیگری پخش شود، باور خواهند کرد! بدون شک مردم، وقتی به گزارش اعتماد می‌کنند که باور داشته باشند، یک نهاد بی‌طرف و ناظر بی‌رونی، آن را تهیه و پخش کرده باشد؛ آیا چنین اعتمادی به گزارش‌های انتخاب شده و سلیقه‌ای هم وجود دارد؟

سومین نکته که البته مهم‌تر از دو نکته دیگر می‌تواند باشد، لزوم ایستادگی صداوسیما در برابر خواست‌های نامشروع و فراقانونی مسئولان است. صداوسیما برای کسب اعتماد عمومی چاره‌ای جز تأکید بر استقلال و مردمی بودن خود ندارد.

به بهانه تغییر برخی برنامه‌های زنده تلویزیون به تولیدی

خدشه به اعتماد مخاطب

در این میان، «حسام‌الدین آشنا» مشاور رئیس‌جمهور و عضو شورای نظارت بر صدا و سیما مدعی شده است: «مکاتبه‌ای که من با رئیس شورای نظارت بر عملکرد صدا و سیما درباره برنامه‌های اخیر «جهان‌آرا» داشتم، هنوز در شورای نظارت بر صدا و سیما مطرح نشده است، چه رسد به اینکه تصمیمی گرفته شده باشد یا این تصمیم به صدا و سیما ابلاغ شده باشد. در نتیجه هیچ فشاری از سوی دولت یا نماینده قوه مجریه به شورای نظارت بر صدا و سیما وارد نشده است، بلکه تنها مکاتبه‌ای با شورا صورت گرفته است.»

وی اضافه کرده است: «مطابق مصاحبه مدیرکل روابط عمومی سازمان صدا و سیما، تبدیل تعدادی از برنامه‌های زنده به تولیدی، سیاستی است که صدا و سیما از چند ماه پیش در دستور کار خود قرار داده بود. بنابراین، این مسئله از نظر دولت، مسئله‌ای داخلی است و ربطی به روابط صدا و سیما و دولت ندارد.»

حال چه ایسن تغییر ساختار برنامه‌های پر مخاطب، از سوی دولت و با فشار آن باشد و چه تصمیم درون‌سازمانی، به نظر می‌رسد سازمان صدا و سیما تصمیم گرفته است نوعی عقب‌گرد رسانه‌ای داشته باشد؛ زیرا نمی‌توان منکر این شد که در برنامه‌های زنده پویایی، شادابی، جسارت و همراهی و همکاری مخاطبان نسبت به برنامه‌های تولیدی به اوج خود می‌رسد و قطعاً همه این موارد با ریسک‌هایی نیز همراه خواهد بود؛ اما همین ریسک کردن نتایج خوبی مانند شفافیت و صداقت بیشتر را با خود به همراه خواهد داشت؛ اگر قرار باشد در هر مباحثه جدی چندین فیلتر رسانه‌ای بر موضوع نظارت داشته باشد، آن زمان تا چه حد مخاطب به چنین برنامه‌هایی ایمان داشته باشد؟ جالب این است که مدیر روابط عمومی



نسیم اسدپور دبیر گروه فرهنگ

پس از اتفاقات اخیر و با مطرح شدن برخی مسائل حساسیت برانگیز از سوی بعضی میهمانانی که در برنامه‌های زنده تلویزیونی حاضر شدند، واکنش‌های زیادی از سوی موافقان و مخالفان در فضای مجازی صورت گرفت. در این میان، راه برای انتقادات بیشتر و حملات تند از سوی مخالفان به رسانه ملی، به ویژه از سوی برخی دولتمردان باز شد. افرادی مطرح در حوزه رسانه و سیاست در برنامه‌هایی مهم حضور پیدا کردند؛ اما با بیان جملاتی سبب واکنش مخاطبان شدند، برخی با توجه به واکنش‌های موجود از مردم عذرخواهی کرده و برخی هم تمایلی به عذرخواهی نداشتند و به صراحت اعلام کردند نیازی به این کار نمی‌بینند.

اما در نهایت همین بگو‌مگوها سبب شد تا تصمیمات جدیدی نسبت به این برنامه‌ها اتخاذ شود و از برنامه زنده به برنامه ضبطی و تولیدی تغییر یابند. البته در این میان برخی گمانه‌زنی‌ها نیز وجود داشت که این تصمیم جدید بر اثر فشاری است که تیم رسانه‌ای دولت و دفتر رئیس‌جمهور بر صدا و سیما وارد کرده است؛ هر چند «محمدحسین رنجبران» مدیر روابط عمومی سیما این گمانه‌زنی‌ها را رد کرده و با تأکید بر اینکه تغییر ساخت این برنامه‌ها را به فشارهای سیاسی بی‌ربط می‌داند، خاطر نشان کرده سازمان صدا و سیما نشان داده است در مسیری حرکت می‌کند که براساس منافع ملی باشد و هیچ گاه منافع ملی را فدای نگاه‌های سلیقه‌ای و فشارهای سیاسی نمی‌کند؛ بنابراین تغییر شکل این برنامه‌ها هیچ ربطی به این حرف‌ها ندارد.

بهاره سحری

خبرنگار

حتماً شما هم همچون من گاهی با رفتارهای نامناسب خشونت‌بار کودکان‌تان مواجه شدید و سعی کردید آنها را از انجام چنین رفتاری منع کنید؛ اما آیا تا به امروز به دلایل بروز چنین رفتارهایی از کودکان‌تان فکر کردید؟

باید بدانید رفتارهای نامناسب کودکان در برخی مواقع ره‌آوردی از دنیای بزرگسالان است. در اصل روحیه کودکان چنان لطیف است که از هر لکه سیاهی متأثر می‌شود. این لکه سیاه می‌تواند یک خبر ناراحت‌کننده باشد یا بازتابی از رفتار خودمان؛ البته خبرهای بد همواره وجود دارند، این روزها نیز بیش از گذشته؛ زیرا در دنیای پیچیده انسانی نمی‌توان جلوی وقوع حوادث تلخ را گرفت، اما می‌توان

با دور کردن کودکان از این اخبار، دنیای بهتری را برای آنها ساخت.

کودکان در دنیایی زندگی می‌کنند که در آن جایی برای غم، ناراحتی و خشونت وجود ندارد. این دنیای لطیف به مرور زمان و با بزرگ‌تر شدن فرد به دنیای بزرگسالان نزدیک می‌شود و با پذیرش واقعیت‌ها ره‌آورد‌های نامناسب را در خود حل خواهد کرد، پس بهتر است بگذاریم روند رشد انسان به درستی طی شود و کودکی فرزندان به خبرهای نامناسب آلوده نشود.

خواندن کتاب می‌تواند جایگزین مناسبی برای شنیدن خبرهای نامناسب باشد. ما می‌توانیم در زمانی که در طوفان حوادث ناگوار فرو می‌رویم کودکان‌مان را بر کشتی کتاب سوار و همراه قطار کلمات به دنیای شادی روانه کنیم؛ اما آنچه در این میان باید بیشتر به آن توجه شود،

محتوای کتاب است تا به اصطلاح از چاله به چاه نیفتیم؛ زیرا اکتاب که دوستی مهربان برای همه ما به حساب می‌آید در برخی مواقع به دست افراد نامناسبی می‌افتد و به جاقویی با لبه زهرآگین تبدیل می‌شود؛ مثلاً در روزهای گذشته شاهد انتشار خبر راهیایی کتابی با موضوع خودکشی در مهدکودک‌ها بودیم. هر چند این خبر پس از چند روز تکذیب شد، اما حضور چنین کتاب‌هایی به ویژه در اماکن عمومی، مانند مترو و اتوبوس که ممکن است در اختیار کودکان و نوجوانان نیز قرار بگیرد، کاری کاملاً نااشیانه و غیرکارشناسی است. حساسیت نسبت به موضوع کتاب کودک

موجب شده است مسئولان کشورهای مختلف جهان با رده‌بندی محصولات فرهنگی دنیای کودکان را تا حدودی از دنیای بزرگسالان جدا کنند؛ البته چنین کاری نیازمند تفکر بیشتر و شناخت نیازها و مقتضیات روحی کودکان



که به جای ایجاد حاشیه و فوران احساسات شخصی حرف‌های تخصصی زده و روشنگری را اصلی‌ترین هدف خود از حضور در برنامه زنده بدانند.

کم نیستند مجریان باسابقه‌ای که نه تنها برنامه‌های زنده عادی، بلکه برنامه‌های زنده ویژه‌ای را آن هم در شرایط بسیار خاص جامعه از جمله در زمان انتخابات اجر کرده‌اند و اتفاقاً بسیار خوب از عهده مدیریت این برنامه‌ها برآمده‌اند! به گونه‌ای که مهمان را به گونه‌ای هدایت کرده‌اند تا برنامه از مسیر اصلی خود خارج نشود.

بنابراین چه با فشار دولت و چه بدون فشار دولت، این نوع تصمیم‌گیری‌های جدید رسانه ملی به منزله واگذار کردن میدان رقابت به فضاهای مجازی است، فضاهایی که زنده و بر خط موضوعات را رصد و مطرح می‌کنند و البته ضریب خطا و گمراهی آنها نیز کم نیست!

است. بنابراین اگر مقتضیات روحی کودکان‌مان را بشناسیم، می‌توانیم انسان بهتری را به جامعه تحویل دهیم و در نهایت آینده بهتری را برای جامعه و کشورمان رقم بزنیم. کودکان ما به مرور زمان با مهارت‌های زندگی آشنا می‌شوند و آنها را می‌آموزند، البته اگر این آموزش به جا و مناسب باشد میوه مناسبی خواهد داشت و در غیر این صورت نتیجه مناسبی را در برنخواهد داشت و این میسر نمی‌شود جز با آشنا کردن و انس دادن فرزندان‌مان با کتاب، آن هم نه از نوع کتاب‌های مترویی!

در پایان باید گفت دنیای امروز می‌تواند به شرط رعایت دنیای کودکان و احترام به آن دنیای بهتری باشد. دنیای کودکان بخشی از نظم طبیعی زندگی ماست و مختل کردن آن به معنای مختل کردن بخشی از نظم جهان است و هر نامنظمی پیامدهایی به دنبال خواهد داشت.

کتاب

فقط او بخواند

غزل‌های هادی محمدحسنی



«فقط او بخواند» مجموعه غزل‌های هادی محمدحسنی است که انتشارات سوره مهر به تازگی آن را منتشر کرده و در برگیرنده ۵۰ غزل دلپذیر است. از ویژگی‌های غزل‌های این مجموعه، سرایش توفیق‌آمیز اشعار در اوزان مطبوع است؛ برخلاف طیفی از شاعران که با دست یازیدن به اوزان دشوار که مقبولیت کمتری هم دارند، احیاناً سعی در به نمایش گذاشتن توانایی خود دارند. پیوند محکم و طبیعی میان زبان غزل سنتی و فرهنگ زبانی امروز، از دیگر ویژگی‌های بارز این مجموعه است و این پیوند به گونه‌ای برقرار شده است.

موسیقی

آوای رضوان

دفتر سرود آستان قدس



«دفتر سرود آوای رضوان» زیر مجموعه «مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی» در آستانه چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در راستای فعالیت‌ها و رسالت‌های فرهنگی این آستان متبرکه در پردیس تربیتی «توانا» تهران کار خود را آغاز کرد. ایجاد فضای مناسب برای اجرای سرود از اهداف این مجموعه است، در حال حاضر آستان قدس رضوی نیز کارهای جدی را در این زمینه شروع کرده است که می‌توان از اجرای سرود در محل اقامه نمازهای جمعه، اماکن زیارتی و متبرکه نام برد.

رسانه ملی

رأی اولی‌ها

ویژه برنامه شبکه امید



با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی شبکه امید برنامه «اولی‌ها» ویژه رأی اولی‌ها را روی آنتن می‌برد. در هر قسمت از این برنامه هفت نفر از نوجوانان و جوانانی که به سن حق رأی رسیده‌اند (۱۸ تا ۲۱ سال) و برای اولین بار قرار است در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند، حضور دارند و در فضایی متفاوت به سوالات گوناگون آنها پیرامون دغدغه‌های نوجوانی و جوانی و نقش آنها در مشارکت برای تصمیم‌گیری کشور پاسخ داده می‌شود. برنامه «اولی‌ها» به تهیه‌کنندگی سینا هوشمندنی‌نژاد در ۴۰ قسمت از شبکه امید پخش خواهد شد.

نکته گرام



عزت‌الله ضرغامی: نظاهرات میلیونی عراقی‌ها با مطالبه خروج آمریکا از عراق در سال ۲۰۲۰، تکرار قیام آنها در سال ۱۹۲۰ برای خروج انگلیسی‌هاست. اصطلاح ثورة العشرین ثانی براننده شکوه امروز آنهاست. ترامپ قمار خاورمیانه را باخت.

سیدعباس صالحی: امروز از دبیرخانه‌های جشنواره‌های موسیقی و تئاتر فجر بازدید داشتیم. اجرای حدود ۱۲۰ گروه نمایشی و حدود ۸۰ گروه موسیقی در برنامه جشنواره امسال است. گروه‌هایی که بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب توسط هیئت داورى، در جشنواره حضور می‌یابند. به دبیران و داوران دست‌مریزاد می‌گویم.

عباسعلی کدخدایی: هر روز تعدادی از نمایندگان که صلاحیت آنان تأیید نشده با اعضا شورای نگهبان ملاقات می‌کنند. مدارک و دلائل برای آنان تبیین شده و توضیحات آنها استماع می‌گردد. اگرچه دفاع رئیس مجلس از همکاران قابل درک است، لکن مناسب بود نمایندگان نیز مستندات را به رئیس مجلس ارائه می‌کردند.

سعید جلیلی: اگر مردم احساس کنند نیروهای انقلابی نسبت به مشکلات‌شان بی‌دغدغه هستند، به این نیروها اعتماد نمی‌کنند، اما اگر جوان انقلابی پیگیر مشکلات به حق مردم باشد، همان مردم او را به عنوان نماینده خود انتخاب خواهند کرد.

مهدی محمدی: در این چند روز بسیاری می‌پرسیدند پس چه شد (اخراج آمریکا از منطقه؟) یا می‌گفتند این حرف‌ها که خون حاج قاسم کاری‌تر از خود اوست، برای دل خوش کردن است. به خیابان‌های بغداد نگاه کنید. آمریکا از همان جایی ضربه نهایی را خواهد خورد که به آن امید نهایی بسته بود: مردم.

نرم افزار

جعبه حفظ قرآن

اگر سابقه تلاش برای یادگیری زبان‌های خارجی یا فرمول‌های پیچیده را داشته باشید حتماً با یک ابزار شگفت‌انگیز حفظ اطلاعات به نام جعبه لایتنر آشنا هستید. لایتنر یک جعبه پنج‌خانه‌ای است که برای یادگیری استفاده می‌شود. کارکرد لایتنر با روش علمی «به یاد سپردن» است که بر مبنای آن آموخته‌ها از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت منتقل می‌شوند. این ابزار روش استفاده از آن را «سباستین لایتنر» در دهه ۱۹۷۰ اختراع کرد و امروز به یکی از محبوب‌ترین ابزارهای ثبت اطلاعات در حافظه بدل شده است. خوشبختانه، با توسعه فناوری‌های دیجیتال، امروز اگر قصد حفظ آیات قرآن کریم را دارید، می‌توانید با نصب نرم‌افزار اندرویدی «العادیات» که در واقع جعبه لایتنر حفظ قرآن است، به راحتی آیات قرآن را یکی پس از دیگری حفظ کنید.



نوید کمالی

کارشناس رسانه



موسیقی‌های گوناگونی ساخته شده که معروف‌ترین و شناخته شده‌ترین آن آهنگ conformista اثر «جورجو گابِر» است.

افرادی که از آنها به عنوان عضو حزب باد یاد می‌شود در ظاهر همواره به سوی قدرت وقت گرایش دارند، اما در باطن به اصولی پایبند نیستند، حتی اصول و ارزش‌ها را به راحتی فدای منفعت شخصی یا نزدیک شدن به افراد جدیدی می‌کنند که در کانون ثروت یا قدرت قرار می‌گیرند.

به عبارت بهتر، کسی که مرام حزب بادی را برای خود بر می‌گزیند، در بزنگاه‌ها برای رسیدن به نفع شخصی، حاضر به فدا کردن همه چیز است، حتی اگر پای مهم‌ترین اصول و ارزش‌ها در میان باشد؛ از این رو کانفورمیست‌ها را می‌توان مصداق همان منافقین نام‌آشنای تاریخ اسلام و انقلاب دانست.

مصداق‌های امروزی این افراد را هم به راحتی می‌توان در فضایی مجازی و به ویژه شبکه‌های اجتماعی و بین چهره‌های سیاسی، سلبریتی‌ها حتی اینفلوئنسرها به وفور پیدا کرد. آری، دقیقاً همان افرادی که امروز خود را به فراموشی رفتار، گفتار و تبلیغات دیروز خود زده‌اند و صریحاً خلاف گذشته خود حرف می‌زنند و عمل می‌کنند.

برای یک حزب بادی فرقی نمی‌کند با چه کسی

پژواک

موبایلت را پیوشان!

محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات



دارند که به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شوند؛ در میانه این صفحات نیز مقداری مایع شیمیایی ذخیره شده است. دماهای به شدت گرم یا سرد موازنه میان این دو را بر هم می‌زند؛ برای مثال هوای به شدت سرد مقاومت باتسری را زیاد می‌کند و از میزان الکترون‌ها و یون‌های مثبتی که می‌توانند حرکت کنند، می‌کاهد و در نتیجه حجم زیادی از ظرفیت باتری گوشی شما استفاده نمی‌شود و ظرفیت باتری به میزان قابل توجهی کم می‌شود.

تأثیر سرما بر باتری گوشی در دماهای پایین‌تر از صفر درجه سانتی‌گراد خود را نشان می‌دهد. دمای پیشنهادی برای استفاده از گوشی‌ها صفر تا ۳۵ درجه سانتی‌گراد است. پیشنهاد می‌کنیم برای جلوگیری از وارد شدن آسیب‌های همیشگی به موبایل‌ها، از شارژ کردن آنها در دماهای کمتر از صفر خودداری کنید و برای موبایل و وسایل هوشمند باتری‌خور خود قاب و کیف‌هایی بخرید که از آنها در هوای سرد کاملاً محافظت کند.

مجازستان

ترس آمریکا از قدرت ایران

سعید ممقانی

پژوهشگر

هیچ وقت انتظار نداشت که دیگر کشورهای غیر همسو با آنها، از جمله کشوری مانند ایران که مخالفت خود با سیاست‌های استکباری‌اش را علناً فریاد می‌زند به دانش سایبری پیشرفته دست یافته و حتی امکان بهره‌گیری از آن را به عنوان یک سلاح استراتژیک کسب کند. دولت آمریکا که از یک دهه قبل در زمینه افزایش توانایی‌های سایبری کشورهای جبهه مقابل خود نگران شده بود، به دستور رابرت گیتس، وزیر دفاع وقت آمریکا یک قرارگاه سایبری با عنوان «قرارگاه فرماندهی سایبری آمریکا» یا به منزله یکی از قرارگاه‌های فرعی نیروهای نظامی آمریکا ایجاد کرد. این قرارگاه به لحاظ ساختاری ذیل «قرارگاه فرماندهی استراتژیک آمریکا یا USSCOM» فعالیت می‌کند و مأموریت اصلی آن گردآوری منابع موجود فضای سایبری آمریکاست، همچنین این قرارگاه باید اقدامات هماهنگ و جمعی را به منظور دفاع از محیط امنیتی اطلاعاتی، پدید آورد.



در حاشیه سیاه‌نمایی‌های مزورانه سلبریتی‌ها

کانفورمیست‌ها را جدی نگیرید!

و حوادث آبان ماه نوشته بود: «مفتضح ما هنرمندان که به امید بهبود جامعه فریب خوردیم و رأی دادیم و تشویق کردیم و ناسزا خوردیم».

البته ناگفته نماند، خود ما هم نقش مهمی در پرورش کانفورمیست‌های مجازی، سیاسی، هنری، حتی ورزشی داریم؛ زیرا تا کسی در چارچوب منافعتش حرفی می‌زند یا حرکتی مطلوب ارزش‌های جمعی و نظام ما از خود بروز می‌دهد، سریع و بدون واکاوی ابعاد و زوایای پنهان، از وی حمایت می‌کنیم و تا حد ممکن بسترهای رشد و دیده شدنش را فراهم می‌کنیم، اما غافل از اینکه آنچه بیان کرده صرفاً تاکتیکی برای بهره‌برداری از جریان انقلاب بوده است و با ورزش باد منفعت از سویی دیگر به همه آنچه پیش‌تر کرده بود به سرعت پشت پا خواهد زد.

مثالش هم کیمیا علیزاده که پس از کسب مدال برنز المپیک آنتدر به او امتیازات مالی و پر و بال تبلیغاتی داده شد که اصلاً خبر پناه‌اندگی‌اش به هلند و بیانیه ضد ایرانی‌اش برای خیلی‌ها باور نکردنی بود. از این رو اگر می‌خواهیم از شر کانفورمیست‌ها در امان بمانیم باید به خودمان و جامعه آموزش دهیم که بیش از حد سلبریتی‌ها، اینفلوئنسر‌ها و کلاً آدم‌های حزب باد را جدی نگیریم.

کار می‌کند، خواهی سپاه یزید باشد یا کاروان حسین(ع)؛ حزب بادی برایش منفعت ارزش است و این ارزش او را تابع ورزش باد منفعت می‌کند، از هر سو که باد منفعت شخصی بوزد، به آن سو می‌دود، حتی در آنجا شمشیر می‌زند.

غرض از نگارش این یادداشت، ماجرای افشاگری اخیر «سیروان خسروی» درباره پشت پرده مافیای رفتارهای سیاسی سلبریتی‌هاست که در آن رفتارهای این روزهای برخی چهره‌های شناخته شده فضای هنری و رسانه‌ای کشور در جهت سیاه‌نمایی ایران را یک رفتار مزورانه خوانده است.

وی همچنین در پست اینستاگرامی خود دلیل فعالیت‌های تبلیغاتی برخی از سلبریتی‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره گذشته و حمایت آنها از یک چهره خاص را ناشی از پرداخت امتیازاتی از جنس دریافت دستمزد «۳ سانس کنسرت تهران» که مبلغ هنگفتی می‌شود، اعلام کرد.

این اعتراف صریح سیروان خسروی از بازی کانفورمیستی یا حزب بادی سلبریتی‌های معروف کشورمان حکایت دارد؛ چرا که همان‌هایی که دیروز منفعت‌شان در «تکرار می‌کنم» بود، امروز به منتقدان سرسخت دولت بدل شده‌اند؛ نمونه‌اش هم حامد بهداد که چندی قبل در واکنش به گرانی بنزین

ترفندستان

وای‌فای رایگان در کمین است!

شما قبل از کدگذاری شدن دسترسی پیداکنند.

۳- خرید نکند

خرید کردن در اینترنت مستلزم وارد کردن اطلاعات بانکی است و هکرها می‌توانند با نفوذ از طریق نصب یک بد افزار کی لاگر در شبکه مکان ارائه‌دهنده اینترنت وای‌فای رایگان، به تمام اطلاعات وارد شده کاربران دست پیدا کنند.

۴- وب‌گردی غیر ضروری نکند

هنگام استفاده از اینترنت رایگان به احتمال زیاد یک فرد خطرناک در حال رصد فعالیت‌های شما است؛ بنابراین صرفاً فعالیت‌های ضروری خود را انجام دهید.

۵- به اشتراک گذاری اطلاعات

برای اینکه اطلاعات شخصی شما به دست هکرها نیفتد، بهتر است هنگام دسترسی به شبکه وای‌فای رایگان بازگذاری خودکار اطلاعات یا Sync کردن‌های تلفن همراه خود را غیر فعال کنید.

سیدعلی اکبر حسینی

کارشناس فناوری

از اینترنت (wifi) رایگان مراکز عمومی با اطمینان خاطر استفاده کنید، با رعایت موارد زیر:

۱- پرداخت و امور مالی

در صورت اتصال به شبکه‌های وای‌فای عمومی اصلاً عملیات بانکی و پولی انجام ندهید؛ زیرا امکان است هکرها در این شرایط به اطلاعات حساب بانکی شما دسترسی پیدا کنند و آنچه دوست ندارید، اتفاق بیفتد. شاید پرسید چگونه؟ از طریق «حمله مرد میانی»، بدین صورت که هکر خود را به جای دستگاه یا فرد دیگری جا می‌زند و اطلاعات شما را می‌ورزد.

۲- وارد حساب‌های کاربری خود نشوید

در هنگام استفاده از وای‌فای رایگان به هیچ شکل وارد سایت‌های کاربری یا پورتال‌های اداری خود نشوید؛ زیرا هکرها می‌توانند هنگام Sniff اطلاعات شبکه، به رمزهای

استارت‌آپ

شتاب‌دهنده استارت‌آپ

احمد محمدی

خبرنگار

erator در مراحل اولیه راه‌اندازی استارت‌آپ، از شرکت‌های در حال رشد با ارائه دوره‌های آموزشی، ارزیابی عملکرد و همچنین ارائه تسهیلات مالی حمایت می‌کند. شرکت‌های نوپایی که تصمیم می‌گیرند به یک شتاب‌دهنده بپیوندند، باید در ابتدا طرحی ارائه دهند تا شتاب‌دهنده برای بازه زمانی مشخصی آن را بپذیرد؛ پس از پذیرش طرح، شتاب‌دهنده منابع و خدماتی مانند ساعات مشاوره، میزان سرمایه مذاکره شده و مشخص و فضای کاری اشتراکی را به آنها ارائه می‌دهد. دوره‌های زمانی استقرار هر شرکت پذیرفته شده را شتاب‌دهنده مشخص می‌کند و معمولاً مدت آن شش ماه است. فعالیت شتاب‌دهنده تا ارائه نسخه آزمایشی محصول ادامه می‌یابد؛ پس از آن استارت‌آپ باید فعالیت خود را خارج از شتاب‌دهنده ادامه دهد و مستقل شود. اگر شما هم ایده خلاقانه‌ای دارید و برای اجرایی کردن آن یک تیم خوب از دوستان حرفه‌ای و صمیمی تشکیل داده‌اید، بهتر است حتماً پیش از شروع جدی کار یک شتاب‌دهنده خوب پیدا کنید.



در رسانه‌ها گفته نمی‌شود این شتاب‌دهنده‌هایی که با حضور مسئولان عالی کشور افتتاح می‌شوند، دقیقاً چیستند و به چه کاری می‌آیند. در یک تعریف ساده می‌توان گفت، شتاب‌دهنده یا accel-

مسئول کانون علمی- فرهنگی پاسداران اهل قلم در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

حاج قاسم نگذاشت فیلمش را بسازیم

زهرا ظهورند

خبرنگار

سررتیب دوم پاسدار محمدعلی آسودی در زمان حضور در معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه به موضوع سازماندهی پاسداران اهل قلم اهتمام ویژه‌ای داشت و این امر را امروز در قالب کانون علمی - فرهنگی پاسداران اهل قلم در معاونت فرهنگی واجتماعی سپاه ادامه می‌دهد. یکی از فعالیت‌های این کانون برگزاری جلسات نقد کتاب است. در حاشیه یکی از همین جلسات که در مرکز فرهنگی-رسانه‌ای صبا و با همکاری پژوهشگاه امام صادق(ع) برگزار شد، گفت‌وگویی کوتاه با وی داشتیم. توجه شما را به این گفت‌وگو که بخشی از آن درباره سردار سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی است، جلب می‌کنیم.

درباره کانون علمی- فرهنگی پاسداران اهل قلم بگویید؟

این کانون از سال ۱۳۸۳ راه‌اندازی شده و یکی از فعالیت‌های مهم آن، برگزاری جشنواره انتخاب کتاب سال پاسداران اهل قلم بوده که تا الآن ۱۴ دوره برگزار شده است. برای برگزاری این جشنواره هر سال در ۱۴ رشته، مثل علوم سیاسی، پزشکی، پیراپزشکی، فنی و مهندسی، ادبیات و رشته‌های مختلف دیگر سر فراخوان داده می‌شود و آثار از سراسر کشور به این کانون ارسال می‌شود. ما برای ارزیابی آثار ۱۴ گروه داوری داریم. این جشنواره در سطح ملی برگزار می‌شود و آثار برگزیده در کتاب شناسی توصیفی خانه کتاب، که آثار برگزیده جشنواره‌های مهم و ملی را چاپ می‌کند، درج می‌شوند.

درباره جلسات نقد کتاب هم که نمونه‌ای از آن را دیدیم، توضیح دهید.

امروز دومین جلسه نقد کتاب در سال ۱۳۹۸ برگزار شد. هدف از این جلسات رفع نواقص و افزایش کیفیت محتوای آثار است. در این جلسات دو نفر از استادان، کتاب را از لحاظ محتوایی، ویراستاری و نگارشی نقد و بررسی می‌کنند. در این جلسه کتاب «شیعیان نیجریه» نقد و بررسی شد و استادان نقاط قوت و ضعف کتاب را ارزیابی کردند تا نویسند و مرکز چاپ کتاب متوجه اشکالات محتوایی و فنی شوند و کتاب برای چاپ‌های بعدی اصلاح شود. هدف دیگر از برگزاری چنین نشست‌هایی به نوعی ایجاد کارگاه برای نویسندگان و کتاب اولی‌هاست؛ چراکه بعد از معرفی آثار و نقد و بررسی آن، نویسندگان با اصول نگارش و چگونگی تألیف کتاب آشنا می‌شوند که می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

آثار این جلسات چه بوده است؟

طبیعتاً سبب شده است نویسند در چاپ بعدی اثر خود را اصلاح کند که نمونه‌های زیادی در این زمینه داریم.

شما در این جلسه از نامه‌ای که به سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی نوشته بودید، صحبت کردید، ماجرای این نامه چه بود؟

اواخر سال ۱۳۹۰ یکی از جوانان فعال در حوزه فیلم‌سازی که تازه از اروپا برگشته بود به من گفت، در اروپا دیده‌ام چقدر درباره سردار سلیمانی بحث می‌کنند و از ایشان می‌ترسند، یک طرح فیلم‌نامه با عنوان «چه کسی از سردار سلیمانی می‌ترسد» دارم. اگر کمک کنید سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده هم می‌آورم که یک سریال یا فیلم سینمایی بسازیم تا

عکس: محمد صالح نادری

مشخص شود چه کسانی از سردار می‌ترسند. بعد از بررسی طرح فیلم‌نامه دیدم طرح، داستان خوبی دارد و نامه‌ای به سردار نوشتم که اگر موافق باشید و اجازه دهید فیلم‌نامه نوشته شود، ایشان حدود ۴۰ روز بعد پاسخ نامه را این‌طور برای بنده حقیر که آن زمان معاون فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه بودم، نوشت: «برادر عزیز جناب آقای آسودی، ان‌شاءالله خداوند همه ما را عاقبت به خیر کند. از انایات جناب عالی تشکر می‌کنم. تا زنده‌ام نمی‌خواهم چیزی درباره خودم نوشته یا تصویر شود، ما انسانیم و همه در معرض نفسانیت‌های گوناگون و خطرناک؛ دعا کنید شهید شوم، آن وقت هر چه دوست داشتید، بنویسید. انسان اگر متکی به خداوند شود و به او و نصرتش مطمئن گردد، در چشم دشمن بزرگ خواهد شد، بیش از آنچه دشمنان



تصور می‌کنند. در ضمن هیچ وقت بنسا نبوده‌ام، همین که لیاقت سربازی ولایت را دارم خداوند را سپاسگزارم. پاسدار قاسم سلیمانی» ایشان حتی نام خود را بی‌دین هیچ عنوان دیگری، فقط پاسدار ذکر کردند. چون گفته بودند. راضی نیستم، فیلم‌نامه را کنار گذاشتم و برای ایشان نوشتم: «خداوند عمر طولانی بدهد و در نهایت شهادت نصیب شما شود، ما خواستیم که به وظیفه خود عمل نماییم.» حالا که سردار به شهادت رسیده‌اند، راه برای انجام این کار هموار شده و به عبارت دیگر لازم است این فیلم ساخته شود. فیلم‌نامه‌نویس این کار هم بعد از شهادت سردار خیلی روی ساخته شدن آن تأکید و اصرار دارد. امیدوارم با کمک نهادهای مربوط و پس از آماده شدن مقدمات، اثری در خور سردار مقاومت تولید شود.

رتبه نخست تولید علم

دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) در ارزشیابی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۷ موفق به کسب رتبه اول در حیطه تولید علم و کسب رتبه دوم در حیطه تولید علم و ساختار در بین دانشگاه‌های علوم پزشکی تیپ دو کشور شد. این ارزشیابی در راستای تحقق اهداف نقشه جامع علمی و سیاست‌های کلان پژوهشی کشور انجام شده است. این ارزیابی در حیطه تولید علم با شاخص‌های برون‌داد پژوهشی، انتشار مقالات در مجلات، انتشار مقالات با همکاری بین‌المللی، ارجاعات به مقالات منتشر شده از سال ۲۰۱۴، رهبری پژوهش، نسبت مقاله به هینت علمی و شاخص H سنجیده شده است.



دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله

سیلی به آمریکا

معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «تقویت مساجد بزرگ‌ترین سیلی به آمریکا و سایر دشمنان اسلام و انقلاب است.» سردار «محمدرضا نقدی» در مراسم بزرگداشت شهید حاج‌قاسم سلیمانی در مسجد جامع احباب الحسین(ع) با اشاره به ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس اظهار داشت: «آمریکایی‌ها دچار خطای محاسباتی شدند؛ زیرا فکر نمی‌کردند خون این فرمانده سرافراز، موجب وحدت بیشتر مردم ما و انزجار بیشتر آنان از شیطان بزرگ شود.» وی همچنین افزود: «ملت بزرگ ایران با مشارکت پرشور در انتخابات اسفند ماه، مشت محکمی به دهان استکبار جهانی خواهند زد.»



روی خط

آرزوی قلبی من خدمت در سپاه است

خدمتی برای بازنشستگی بسیجیان کد ۸۹ باشید. ۰۹۱۴۰۰۰۶۶۴۶ / از وقتی هفته‌نامه «صبح صادق» در شکل و گرافیک تغییر کرده، مطالب بهتری ارائه می‌شود.

۰۹۱۵۰۰۰۷۹۳۹ / به نظر بنده و خیلی از دوستان در صورتی که فونت مطالب بزرگ‌تر بشه، انگیزه مطالعه بیشتر می‌شه.

۰۹۱۸۰۰۰۷۱۱۳ / متأسفانه، برای خرید برنج به فروشگاه اتکا مراجعه کردیم؛ اما گفتند چون برنج را نقداً خودمان خریداری می‌کنیم، نمی‌توانید از شارژ کارت استفاده کنید!

۰۹۱۸۰۰۰۴۷۲۳ / ما پاسداران اهل سنت

کردستان آماده اشاره رهبر عزیزمان برای عملیات شهادت‌طلبانه و انتقام خون پاک سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی و اخراج نیروهای آمریکایی هستیم. آقا جان! از تو به یک اشاره... ۰۹۱۸۰۰۰۸۶۳۱ / سال‌ها پس از پیروزی انقلاب هنوز مرکز فتنه و فریب در ایران را تحمل می‌کنیم! لطفاً لانه جاسوسی رویه پیر را تعطیل کنید. در هر فتنه‌ای ردی از جاسوسان آنهاست. ۰۹۱۸۰۰۰۹۵۲۳ / چند سال است پروژه مسکن ۵ آذر استان کردستان تحویل داده شده، اما از سند خیری نیست خواهشاً پیگیری کنید. / «محمد رسول‌آیینی» از همدان

۰۹۱۹۰۰۰۳۰۲۲ / مبلغ شارژ حکمت کارت‌های سپاه خیلی کم است؛ برای نمونه برای ۳ نفر ۷۲۰۰۰ تومان شارژ می‌شود که پول ده کیلو برنج هم نمی‌شود. ۰۹۳۲۰۰۰۴۵۱۰ / به بنیاد تعاون سپاه پیشنهاد می‌شود برای رفاه حال خانواده کارکنان سپاه اقساط وام اسفند کسر نشود. / «میرسمیعی» از تهران ۰۹۹۰۰۰۰۱۲۹۸ / خطر نرم‌افزارهای ارتباطی، مانند اینستاگرام و واتس‌آپ خیلی زیاد است. اما هیچ کس جدی نمی‌گیرد. همه اطلاعات ما دست صهیونیست‌هاست.

۰۹۹۲۰۰۰۹۹۱۵ / ما در انتقام خون سردار سلیمانی به کمتر از نابودی اسرائیل و اخراج نیروهای اشغالگر در منطقه راضی نمی‌شویم. / «میشم اکبری» از سلماس

پیامتان را از طریق سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق با ما در میان بگذارید

۱۵

پاسدار

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

صبح صادق

یادداشت

نیرویی با «انگیزه بزرگ»

علیرضا جلالیان

کارشناس دفاعی



انقلاب اسلامی ایران خیلی زود مرزهای جغرافیایی و ملیتی را رد کرد و ابعاد منطقه‌ای و جهانی پیدا کرد. از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی تقابل صد در صدی انقلاب اسلامی با رژیم نامشروع صهیونیستی آشکار شد. بخشی از انقلابیون، حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در درگیری مستقیم با این رژیم شرکت داشتند و با اهداف مشترک، در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی آموزش نظامی می‌دیدند. اما این درگیری انقلابیون تنها با رژیم صهیونیستی و غرب نبود، در شرق، ارتش سرخ شوروی به افغانستان یورش برده بود و بخشی از انقلابیون هم به مجاهدان افغانی در این جنگ کمک‌های شایانی کردند. اما زمانی که دیگر انقلابیون و رهروان امام خمینی (ره) صاحب حاکمیت شدند همه این ماجراها ناگزیر دستخوش تغییر شد. یعنی دیگر ماهیت حمایت‌ها باید در قالب حمایت‌های انقلاب اسلامی از مظلومان ادامه پیدا می‌کرد و نه صرفاً حمایت نیروهای انقلابی. از این رو در مجموعه نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که اولین و مهم‌ترین نهاد امنیتی و اطلاعاتی کشور در ابتدای انقلاب بود، سازوکاری برای این منظور ایجاد شد. واحد نهضت‌های سپاه در زیرمجموعه اطلاعات سپاه مشغول فعالیت شد. کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه در حوزه فلسطین و نیز حضور و سازماندهی رزمندگان مظلوم افغانستانی در دفاع مقدس، محصول فعالیت این واحد بود. دفاع مقدس هم سبب شد بخشی از شیعیان عراقی در مقابل صدام بایستند و به عنوان مجاهدان عراقی در دل سپاه و در قالب سپاه بدر سازماندهی شوند. با پیوستن خیل اسرای تواب این سپاه هر روز بزرگ‌تر شد. در این میان نیروهایی که در سوریه برای نبرد مستقیم با رژیم اشغالگر قدس در لبنان حضور داشتند، بلافاصله با تدبیر حضرت امام خمینی (ره) به حضور مستشاری پاسداران تبدیل شد و اولین واحد برون‌مرزی سپاه در لبنان، با نام «سپاه لبنان» شکل گرفت که متشکل از پاسداران ایرانی و لبنانی بود. حزب‌الله لبنان با حمایت این سپاه سازماندهی شد. همه اینها تا پایان دفاع مقدس ادامه داشت. پس از پایان جنگ و با توجه به لزوم تغییر ساختار در نیروهای مسلح برای تداوم دفاع همه‌جانبه، کلیه فعالیت‌های برون مرزی سپاه در قالب نیرویی که مبتنی بر آرمان آزادسازی قدس «نیروی قدس» نام گرفت، به شکل محرمانه پیگیری شد. محرمانه بودن این نیرو نیز تا زمان اعلام رسمی اعطای درجه سرلشکری به سردار شهید سرافراز، حاج‌قاسم سلیمانی ادامه داشت. نیروی قدس امروز محصول سعه صدر پاسداران مجاهدی است که از روز اول پیروزی انقلاب، این انقلاب را جهانی ترسیم کردند. فرمانده معظم کل قوا از این رزمندگان با عنوان «رزمندگان بدون مرز» یاد کردند؛ البته از همه ملیت‌ها در خیل رزمندگان نیروی قدس سپاه حضور دارند، چنانکه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هم تصریح کردند: «سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نمی‌بینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم.»

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی
سر دبیر:علی حیدری
جانشین سر دبیر:فتح الله پریشان
شورای سیاست گذاری:علی قاسمی، سیامک باقری
سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی
محمدرضامهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
مدیر نگارش و ویرایش:محبوبه حاجی آقائی
صفحه آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۳۲ | دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸

کتیبه سبز

ماتم تو گریه آور است

هر چند خانه از همه خانه‌ها سر است
این آشیانه مسلح سرخ کبوتر است
از انتشار عطر تو در پر کشیدنت
آغوش خانه تا به قیامت معطر است
هر قدر خواستم که صبوری کنم... نشد
مادر! عجیب ماتم تو گریه آور است
از لحظه‌ای که ابر شدی بین کوچه‌ها
باران گرفته، صورت دیوارها تر است
بعد از تو هر چه لاله در این دشت داغدار
بعد از تو هر چه یاس در این باغ، پرپر است

فاطمه نائی زاد



تأثیر خون پاک آن مردان مخلص

ببین بغداد را و جوشش زیباترین حس را
خروش جان‌نثاران «ابومهدی مهندس» را
ببین بغداد را و جوش خون «حاج قاسم» را
ببین تأثیر خون پاک آن مردان مخلص را
عراق و جوشش مختارهای رسته از زنجیر
ببین فریاد ملت را، ببین آواز مجلس را
شنیدم بارها از دولتش بانگ «ارجانی» را
شنیدم بارها از مجلسش خشم «مدرس» را
خوشا جمع «حکیم و صلور و کرد و سنی و شیعه»
که بر هم می‌زند پیمان بی‌عقلان ناقص را
صدای کامل فتح است این، دنیا نخواهد خورد
فریب نطق بازی‌های این خامان نارس را
ببین خم گشتن حکام بدبخت سعودی را
ببین دوشیدن اعراب ثروتمند مفلس را
جهان مبهوت بانگ «یا لثارات» شما مانده‌ست
نمی‌بیند کسی داووس یا بین‌المجالس را
الهی از سر این قوم، کم کن سایه غم را
بیشنان بر سر این عاشقان گل‌های نرگس را

علیرضا قزوه



صبحانه

قوی بودن

آدم‌های قوی از سیاره دیگری نیامده‌اند، آنها هم مشکلات خودشان را دارند، هم محدودیت‌های معمولی و حتی غیر معمول...

تفاوت اینجاست؛ آنها پذیرفته‌اند از پس هر مشکلی برمی‌آیند، آنها خودشان را باور کرده‌اند، از مشکلات و محدودیت‌ها پله ساخته‌اند، نه کوه! آدم‌های قوی در کمال خودباوری انتخاب کرده‌اند که قوی باشند. قوی بودن؛ در مغز اتفاق می‌افتد؛ قوی بودن؛ همت و توکل می‌خواهد....

تلخند

سودای استعمارگران برای نفت غرب آسیا



تریبون

خواننده اثر قاسم هنوز زنده است در گفت‌وگو با صبح صادق سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند

زهر ا ترابی

خبرنگار

متولد ۱۰ آذر ۱۳۵۴ در محله شاه‌حسینی بندرعباس است و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم ادامه داده است؛ وی از اواخر دهه ۷۰ به تهران آمد و اولین آلبومش را اوایل سال ۱۳۸۰ منتشر کرد. «غلامرضا صنعتگر» که با درونمایه‌های مذهبی و دینی در برخی ترانه‌هایش مشهور است، چند سالی است به بیماری سرطان کبد مبتلاست و تحت درمان قرار دارد. وی یکی از هنرمندانی است که یک روز پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی اثر زیبایی را درباره این سردار شهید اجرا کرد. در ادامه پای صحبت‌های غلامرضا صنعتگر می‌نشینیم.

چطور شد که تصمیم گرفتید برای «سردار سلیمانی» قطعه‌ای را بسازید؟

صبح جمعه ۱۳ دی بعد از شهادت ایشان از طرف حوزه هنری به بنده پیشنهاد دادند و من نیز از سر ارادتی که به این شهید بزرگوار داشتم، با

افتخار قبول کردم. چیزی که باید به آن اشاره کنم، پیشرفت سریع کار در زمان کوتاه و خروجی و اثرگذاری این قطعه بود که این هم چیزی نیست جز برکت خون شهید سلیمانی.

باز خورد این اثر در بین مردم چگونه بود؟

طبق صحبت‌ها و شنیده‌های صورت گرفته، آهنگ زیبایی شده است که فقط منحصر به عملکرد بنده نیست؛ بلکه کل مجموعه این کار سبب شد کاری ماندگار و زیبا صورت بگیرد. شاعر این کار آقای «میلاد عرفان‌پور» است و موسیقی آن با تلاش آقای محمدرضا چراغعلی و نوازندگان محترم شکل گرفت. این نکته را نیز اشاره کنم که بر اساس تجربه چندین ساله‌ای که در این عرصه دارم، برخی موضوعات همچون این قطعه که درباره حاج قاسم است، با خود برکت می‌آورند و این آثار به بهترین شکل خود رقم می‌خورند.

چه احساسی از اجرای این کار در آن شرایط روحی در جامعه داشتید؟

بنده با توجه به ارادت قلبی که نسبت به شهید سردار سلیمانی داشتم، خواستم به عنوان یک خواننده در

قالب هنر موسیقی که بسیار اثرگذار هست، ادای دین کنم و تمام تمرکز و احساسم این بود که کار تولیدی در شان ایشان باشد و خروجی کل مجموعه از شعر و موسیقی و صدا به نحو عالی درآید.

با توجه به فرصت کم نگران نبودید که شاید کار خوبی از آب در نیاید؟

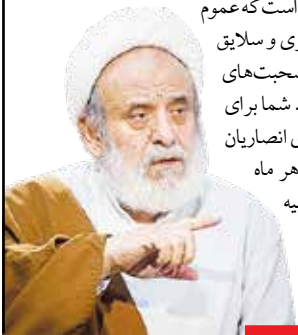
خیر! چون تجربه سال‌ها کار حرفه‌ای در موسیقی به بنده نشان داده است «سسخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند». به همین دلیل بر خدا توکل کردم و این کار را پذیرفتم.



پیشنهاد هفته

پای درس اخلاق

در جامعه امروز، با توجه به تهاجم فرهنگی‌ای که غرب علیه دنیای اسلام به راه انداخته است، نیاز شرکت در مراسم معنوی برای بیشتر نزدیک شدن به خداوند و دور ماندن از شر وسوسه‌های شیطان، بیش از پیش برای همه ما احساس می‌شود. در میان مراسم معنوی گوناگون، شرکت در جلسات اخلاق از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از استادان بنام در زمینه بیان مباحث اخلاقی، «حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاریان» است. نز دیک به ۵۵ سال است این معلم اخلاق در تهران و دیگر شهرهای کشور در ایام مختلف سخنرانی می‌کند. از ویژگی‌های بارز جلسات استاد انصاریان این است که عموم مردم با گرایش‌های گوناگون فکری و سلاقی متفاوت سیاسی، مشتاقانه پای صحبت‌های معنوی و اخلاقی او می‌نشینند. شما برای حضور در جلسه اخلاق آقای انصاریان می‌توانید در آخرین پنج‌شنبه هر ماه قمری از ساعت ۲۰ در حسینیه هدایت واقع در تهران، میدان قیام، خیابان ری حضور به هم رسانید.



معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌کند

مسابقه کتابخوانی «سپاه و سیاست»

ویژه هادیان و مدیران سیاسی / دهه فجر ۹۸ / برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه بصیرت مراجعه کنید

صادقانه

شفیعه محشر

قال رسول الله(ص): «إِنَّ فَاطِمَةَ لَتَشْفَعَنَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَنْ أَحَبَّهَا وَتَوَلَّاهَا وَحَبَّ ذُرِّيَّتَهَا وَتَوَلَّاهُمْ وَشَفَعَهَا اللَّهُ فِيهِمْ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهَا» همانا فاطمه در روز قیامت برای کسی که محب و دوست‌دار او و فرزندان‌اش باشد، شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را دریاره این افراد می‌پذیرد و آنها را با شفاعت او وارد بهشت می‌کند.

(القطره، ج ۲، ص ۱۸۹)

قبیله عشق

به جای دبیرستان رفت جبهه



غلامرضا پدرش را وقتی هشت ساله بود در زلزله سال ۱۳۵۷ طبس از دست داد؛ اما باز این حادثه بزرگ زندگی‌اش، یعنی یتیمی و سن کم باعث نشد تا از فعالیت‌های مبارزاتی و انقلابی و راهپیمایی‌ها غافل شود. اشتیاق غلامرضا به انقلاب و حضور در جبهه سبب شد تا در نهایت با رضایت خانواده بعد از دیدن آموزش نظامی در حالی که باید به سال دوم دبیرستان می‌رفت، با سپاهیان صد هزار نفری محمد(ص)، از شهرستان طبس عازم جبهه شود.

به نقل از خانواده شهید غلامرضا خالویی غلامرضا ۴ بهمن ۱۳۴۹، در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در کانون گرم خانواده سپری کرد و در ۷ سالگی برای کسب علم و دانش پا به مدرسه گذاشت. هنوز چند سالی از تحصیل او نگذاشته بود که حادثه دلخراش و خاتمان‌سوز زلزله ۱۳۵۷ طبس رخ داد و کانون با صفا و نورانی خانواده، با از دست دادن پدر، روبه خاموشی و سیاهی گرایید. او با توکل بر خدا و با تمام توان و پشتکار، تحصیلاتش را تا سال اول دبیرستان در شهر طبس ادامه داد. در راهپیمایی‌ها حضوری چشمگیر داشت. دانش آموز موفق بود، اما به حسب وظیفه عازم جبهه شد. در سال ۱۳۶۵ عازم جبهه شد. دیری نگذشت که به وصال یار نایل آمد و حین عملیات کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه، مصادف با پنجم بهمن ماه سال ۱۳۶۵ به ملکوت اعلی پرواز کرد. پیکر مطهرش را پس از ۱۹ سال دوری به وطن بازگشت.

حسن ختام

او یک اسوه بود برای خویش شدن

علی(ع) بساکودکانش تنها ماند و فاطمه(س)، نور دیده پیامبر(ص)، بزرگ بانوی دو عالم با روحی آزرده همچون پرنده‌ای که بال‌هایش را شکسته باشند، در دل تاریکی شب در آن هنگام که مدینه در دهان شب فرو رفته بود، همچون شمع‌ی از آتش و رنج خاموش شد.

آقا جان

از چه بگویم؟ از مادری که نخواست هیچ‌گاه و هیچ‌کس قبرش را بشناسند تا تاریخ با تمام ابهتش مبهوت و حیرت زده چرایی این پرسش باشد که بر دختر پیامبر رحمت و مهربانی چه گذشت که چنین غمگین و خاموش قبرش مخفی ماند!

مولای من

فاطمه یک زن بود؛ آنچنان که اسلام می‌خواهد. او مظهر یک دختر در برابر پدرش، مظهر یک زن نمونه در برابر همسرش، مظهر یک مادر در برابر فرزندش و مظهر زنی مبارز و مسئول در برابر زمانش و سرنوشت جامعه‌اش؛ او یک اسوه و یک شاهد بود برای هر زنی که می‌خواهد خویش شدن را انتخاب کند.